



انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۰۶۵

شنبه ۵ اسفند ۱۴۰۲، ۲۴ فوریه ۲۰۲۴

آیا سوسیالیسم در ایران امکان‌پذیر است؟ (بخش دوم)

تدوین شده بر مبنای مصاحبه با حمید تقوایی

صفحه ۲

هشت مارس روز اهتزاز پرچم بی‌حجابی عمومی

شهلا دانشفر

صفحه ۵

اجلاس دوحه، هیاهویی پوچ

سیامک بهاری

صفحه ۷

به حزب کمونیست کارگری کمک مالی کنید!

صفحه ۸

ابعادی تازه از کارزار اعتراض علیه اعدام

مهران محبی

صفحه ۹

۷۶ درصد کارگران قربانی حوادث کار در سال

گذشته، فاقد بیمه بودند!

محمد شکوهی

صفحه ۱۰

از امت واحده اسلامی تا "متوقف کردن" حضور

نیروهای نیابتی!

نسان نودینیان

صفحه ۱۱

کمپین یک‌ماهه جمع‌آوری صد هزار دلار کمک

مالی!

صفحه ۱۳

کنفرانس امنیتی مونیخ ۶۰ ساله شد؛ اما امنیتی ایجاد نکرد!

ناصر کشکولی

صفحه ۱۴

قتل عام مردم غزه را شدیداً محکوم می‌کنیم

صفحه ۱۵

سایر اطلاعیه‌های هفته اخیر

صفحه ۱۶

این حزب شماست، به آن کمک مالی کنید!

اصغر کریمی

بخشی از هزینه‌های مختلف حزب کمونیست کارگری از طریق کمپین‌های مالی سالانه حزب تأمین می‌شود. بخش قابل‌توجهی از هزینه‌های حزب را تلویزیون کانال جدید به خود اختصاص می‌دهد. کمک‌هزینه به برخی از دست‌اندرکاران حزب و کانال جدید، سرورها و سایت‌ها، تجهیزات فنی استودیوها، سفرها و مأموریت‌ها نه تمام بلکه بخش اعظم هزینه‌های حزب را تشکیل می‌دهند.

در دو سال گذشته هدف کمپین‌های مالی را ۱۰۰ هزار دلار اعلام کردیم و امسال هم همین‌طور. دو سال قبل بیش از ۱۲۰ هزار دلار و سال قبل بیش از ۱۳۰ هزار دلار به همت فعالین سیاسی، مخالفین حکومت و اعضا و دوستداران حزب جمع‌آوری شد. امسال امیدواریم سقف کمک‌ها بیشتر باشد تا بتوانیم فعالیت‌ها و پروژه‌های مختلفی را که دائم در حال بیشتر شدن هم هست به پیش ببریم. این را هم اضافه کنم که به کمپین سه سال قبل ۲۲۸ نفر، دو سال قبل ۳۵۲ نفر و سال قبل ۴۲۱ نفر از داخل و خارج کشور کمک کردند. امیدوارم این سیر صعودی امسال با شیب بیشتری ادامه پیدا کند.

این حزب شایسته کمک‌های بسیار بسیار بیشتری است. حزبی که از روز تولدش تاکنون بوقفه علیه جمهوری اسلامی و علیه جنایات آن جنگیده و صمیمانه برای متحد کردن مبارزات بخش‌های مختلف مردم حول سیاست‌های رادیکال و انسانی تلاش کرده است. بسیاری از اعضا و کادرهای حزب بخش زیادی از زندگی خودشان را، وقت و توانایی و امکاناتشان را صرف پیشبرد مبارزه در راه نجات مردم کرده‌اند. علیه اعدام و سنگسار، برای آزادی زندانیان سیاسی، در دفاع از کودکان و ارتقای فرهنگ جامعه نسبت به کودکان، در دفاع از حقوق زنان و علیه حجاب اسلامی، تلاش برای متحد کردن کارگران و سازماندهی انواع کمپین‌های بین‌المللی در دفاع از آنها، دفاع از خواست‌های حق طلبانه مردم کردستان و سایر مناطق تحت ستم، دفاع از حقوق اقلیت‌های مذهبی و رنگین‌کمانان، رساندن صدای اعتراض مردم به گوش جهانیان و سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی. یا تلاش برای سازماندهی پناهندگان و نجات آنها از دیپورت، دفاع از حقوق شهروندی مهاجرین افغانستانی علیه جمهوری اسلامی و رفتارهای فاشیستی با آنان، علیه طرح‌های تفرقه‌افکنانه و بیراهه اپوزیسیون دست راستی و قوم‌پرستان، علیه مذهب و خرافات مذهبی و غیره. حزبی که به سنگسار در ایران پایان داده، تعدادی را از سنگسار و اعدام نجات داده و نقش مهمی در شکل دادن به جنبش و خواست لغو مجازات اعدام داشته است. حزبی که از بیش از دو دهه قبل انقلاب را تنها راه نجات جامعه دانسته، از انقلاب زنانه صحبت کرده و نقش مؤثری در شکل دادن به انقلاب و بنیادهای سیاسی و فکری انقلاب زن زندگی آزادی داشته است. تلاش زیادی کرده

ادامه در صفحه ۶



آیا سوسیالیسم در ایران امکان‌پذیر است؟ (بخش دوم) تدوین شده بر مبنای مصاحبه با حمید تقوایی در کانال جدید

مسکن‌سازی گسترده این امر امکان‌پذیر است. اقدامات رفاهی دیگری هم ممکن است نیاز به زمان داشته باشد؛ ولی در حال در روز اول، دولت سوسیالیستی به انجام همه این اقدامات متعهد می‌شود. سیاست و جهت‌گیری دولت در این جهت است که از فقر و بی‌تأمین اقتصادی نشانی در جامعه باقی نماند. اقدامات رفاهی که برشمردم فوراً انجام می‌شود و طبعاً با پیشرفت اقدامات پایه‌ای سوسیالیستی در جهت لغو استثمار و بردگی مزدی، شرایط تأمین یک زندگی مرفه برای همگان نیز بیشتر و بیشتر فراهم خواهد شد.

از نظر اجتماعی و سیاسی هم به‌طریق اولی نباید منتظر هیچ اقدام اقتصادی ای نشست. از همان روز اول دولت سوسیالیستی اعلام می‌کند اعدام ممنوع است، از همان ابتدا تعهد خود را به تأمین آزادی‌های بی‌قید و شرط اعلام می‌کند، از آزادی احزاب و تشکل گرفته تا آزادی عقیده و بیان و قلم و تا آزادی اعتراض و اعتصاب و تظاهرات و غیره. اینها همه به شکل قانون تثبیت می‌شود و عملاً اجرا می‌شود. یک اقدام فوری دیگر ممنوع کردن دخالت مذهب در قوانین و سیستم آموزشی و قضائی و کلاً همه عرصه‌های زندگی اجتماعی است. دولت سوسیالیستی مذهب رسمی ندارد و مذهب را تنها به‌عنوان امر خصوصی افراد به رسمیت می‌شناسد. مذهب به‌هیچ‌وجه نباید جایی در شناسنامه‌ها و یا آگهی‌های استخدام و تخصیص مشاغل و فعالیت‌های اجتماعی و کلاً هویت اجتماعی افراد داشته باشد. از سوی دیگر آزادی مذهب و آزادی بی‌مذهبی به‌عنوان امر خصوصی افراد به رسمیت شناخته می‌شود. همه آزادند هر مذهبی داشته باشند و یا هیچ مذهبی نداشته باشند. ستم و تبعیض مذهبی که امروز در جامعه ما بیداد می‌کند تماماً از بین خواهد رفت. حقوق زن و رفع تبعیض جنسیتی به کامل‌ترین شکل تضمین و تأمین می‌شود. رفع تبعیض ملی، مثلاً به‌رسمیت شناختن حق تحصیل و فعالیت ادبی و هنری به زنان مادری خود و تأمین حقوق برابر برای همه شهروندان مستقل از ملیت و قومیت نیز از اولین اقدامات دولت سوسیالیستی خواهد بود.

اینجا فرصت نیست به همه قوانین انسانی و آزادی‌بخشی که فوراً باید اعلام شود بپردازم. لیست بالابندی در برنامه حزب ما، یک‌دنیای بهتر، اعلام شده

حسن صالحی: شما در بخش اول این مصاحبه از خلع‌بید مافیای اقتصادی جمهوری اسلامی به‌عنوان یک اقدام فوری دولت سوسیالیستی صحبت کردید. همچنین گفتید تأمین آزادی‌ها و رفع تبعیض و رفاه همگانی از اهداف پایه‌ای سوسیالیسم است. سؤال من این است که اینها چه رابطه‌ای با هم دارند؟ آیا با خلع‌بید از صاحبان سرمایه این اهداف تأمین می‌شود؟ مشخصاً چه اقدامات فوری‌ای برای تضمین آزادی‌ها و تأمین رفاه مردم باید انجام شود؟

حمید تقوایی: همانطور که قبلاً توضیح دادم برای اینکه بتوانید جبر اقتصادی را از بین ببرید - یعنی آزادی را به معنای واقعی کلمه تأمین کنید - باید استثمار و مالکیت خصوصی بر وسائل تولید ممنوع شود. اقدام فوری در این زمینه خلع‌بید از مافیای اقتصادی حکومت سرنگون شده است؛ ولی این امر باید گسترش پیدا کند و استثمار و کار مزدی در یک سطح سراسری و در رابطه با کل سرمایه‌ها لغو بشود. این امر به زمان نیاز دارد. با خلع‌بید از مافیای اقتصادی جمهوری اسلامی بیش از ۵۰ درصد اقتصاد از کنترل سرمایه خارج می‌شود؛ ولی نهایتاً باید در هیچ بخشی رابطه استثماری بین کار و سرمایه وجود نداشته باشد. این فوراً عملی نیست و نیازمند یک برنامه گام‌به‌گام است. سؤال این است که آیا برای تأمین آزادی‌ها و رفاه عمومی باید صبر کرد تا کل برنامه اقتصادی سوسیالیستی پیاده بشود؟ به نظر من به‌هیچ‌وجه این‌طور نیست. اقدامات فوری‌ای را می‌توان و باید برای تأمین برای تأمین رفاه و برای تضمین آزادی‌ها در دستور گذاشت. اقدامات برای پیاده کردن کامل اقتصاد سوسیالیستی و تأمین آزادی و رفاه به یکدیگر مشروط نیستند بلکه می‌توانند هم‌زمان به‌پیش بروند.

دولت سوسیالیستی در روز اول به‌قدرت‌رسیدن اعلام خواهد کرد که آموزش و پرورش رایگان خواهد بود، بهداشت و درمان رایگان خواهد بود، رفاه و آمد و آب و برق و گاز و اینترنت رایگان خواهد بود. بعلاوه به همه شهروندان، بدون استثنا، حقوق پایه‌ای پرداخت خواهد شد. این حق همه مردم است که از یک زندگی انسانی برخوردار باشند و مجبور نباشند برای تأمین معاش تن به کار اجباری بدهند.

اینها اقدامات فوری اقتصادی ما است که می‌تواند به‌تدریج بسط هم پیدا کند و مثلاً مسکن رایگان یا بسیار ارزان را نیز شامل بشود. با

آیا سوسیالیسم در ایران امکان‌پذیر است؟ (بخش دوم)

از صفحه ۲

حمید تقوایی: نکته اول این است که جامعه ایران به هیچ‌وجه جامعه فقیری نیست. از نظر منابع ثروت نظیر نفت و گاز و معادن مختلف، جنگل‌ها و غیره و غیره بسیار غنی است و صادرات یک منبع مهم درآمدهای ایران را تشکیل می‌دهد.

اجازه بدهید به چند آمار در جمهوری اسلامی اشاره کنم. اخیراً مقامات رژیم اعلام کردند که درآمد ارزی ایران از صادرات در سال ۱۴۰۱ بالغ بر ۱۰۳ میلیارد دلار است و این تازه در شرایط تحریم و علی‌رغم تحریم‌ها است. اما این درآمد یا به حساب سران مافیای اقتصادی سرزیر می‌شود و یا به بودجه ارگان‌های عریض‌وطول سرکوب رژیم اختصاص می‌یابد. چند سال قبل سخنگوی دولت روحانی اعلام کرد که در دوره احمدی‌نژاد ۷۰۰ میلیارد دلار حیفومیل شده است. اصطلاحی که بکار برد این بود که این مبلغ نجومی "قورت داده شده است!"

۷۰۰ میلیارد دلار تنها در دوره یک رئیس‌جمهور ناپدید شده! طبعاً در دوره‌های قبل و بعد نیز ارقام نجومی دیگری "قورت داده شده" که مجموعاً سر به تریلیون‌ها دلار می‌زند.

از طرف دیگر مبالغ نجومی ای صرف هزینه‌های سرسام‌آور دموستگاه سرکوب، سپاه قدس، بسیج، مساجد، دستگاه خرافه پراکنی روحانیت و غیره می‌شود. همه این منابع را می‌توان در خدمت رفاه عمومی بکار گرفت. مثلاً بودجه‌ای که الان صرف سپاه قدس می‌شود به راحتی می‌تواند بهداشت و درمان رایگان جامعه را تأمین کند. صد میلیارد دلار درآمد ارزی سالانه که در جیب گشاد آیت‌الله‌ها گم می‌شود می‌تواند هزینه‌های درمان رایگان را تأمین کند. دزدی و غارت و چپاول ثروت‌ها که به گفته خودشان تنها در دوره یک رئیس‌جمهور بالغ بر ۷۰۰ میلیارد دلار بوده است، می‌تواند بخش عمده‌ای از "حقوق پایه" را تأمین کند.

ثروت هست، اما بحث بر سر اولویت‌های دولت و چگونگی صرف ثروت‌ها است. اولویت جمهوری اسلامی قبل از هر چیز پر کردن جیب سران مافیای اقتصادی، پرور کردن دستگاه بسط خرافه و سرکوب یعنی دارودسته روحانیون و آخوندها و مقامات بسیج سپاه و گشت‌های مختلف سرکوب مردم است. این را اگر کنار بنزید منابع مالی زیادی برای تأمین رفاه عمومی آزاد خواهد شد.

نکته دیگر این است که بخش عمده‌ای از جمعیت ایران نیروی جوان و آماده بکار است. در جامعه سوسیالیستی میل به کارکردن و فعالیت تولیدی آزادانه و خلاقانه بسیار گسترده خواهد شد و راندمان کار بسیار بالاتر خواهد رفت. به‌عنوان مثال بسیاری از نخبگان و متخصصین که از جمهوری اسلامی فراری شده‌اند باز خواهند گشت و با دل‌وجان کار خواهند کرد. به‌این ترتیب یک نیروی اجتماعی مؤثر آزاد می‌شود که تولید ثروت را از آنچه امروز هست بسیار فراتر می‌برد. مجموع اینها می‌تواند مبنای واقعی باشد برای تأمین هزینه‌های رفاه عمومی.

حسن صالحی: یک نکته مورد تأکید شما اداره شورائی و ضرورت کنترل اقتصاد به دست شوراها بود. سیستم شورائی چطور کار می‌کند؟ چه تضمینی وجود دارد که شوراها اقداماتی که بر شمردید را در دستور بگذارند و عملی کنند؟

حمید تقوایی: به نظر من در عصر ما شیوه فعالیت شوراها از تجربه تاریخی و درک رایج از سیستم شورائی اساساً متفاوت و با ضروریات یک نظام رها شده از قدرت مافوق مردم منطبق‌تر است. به این معنی که شوراها به‌عنوان ارگان‌های حکومتی می‌توانند به شکل یک شبکه اجتماعی سازمان بیابند و نه به شکل هرمی و سلسله‌مراتبی.

سیستم شورائی در جمهوری سوسیالیستی ایران هرمی سازمان نخواهد یافت؛ بلکه شبکه‌ای سراسری خواهد بود شامل شوراها محلی و شهری و استانی.

که ما به اجرای فوری همه آنها متعهد هستیم. قانون اساسی جمهوری سوسیالیستی دربرگیرنده اساسی‌ترین و پایه‌ای‌ترین آزادی‌ها و حقوق مدنی و اجتماعی و اقتصادی است که اهم آنها را اینجا توضیح دادم.

به‌این ترتیب تضمین آزادی‌های بی‌قیدوشرط و تأمین رفاه عمومی و برداشتن جبر و فشار اقتصادی برای تأمین معیشت از دوش توده مردم جزو اولین اقدامات جمهوری سوسیالیستی خواهد بود.

حسن صالحی: در صحبت‌های شما نکته‌ای بود که توجه مرا جلب کرد. شما به درآمد پایه اشاره کردید. این بحث البته برای حزب ما تازه نیست. ما مصوبه‌ای هم در این رابطه داریم. این که شهروندان مستقل از هر موقعیت شغلی و اجتماعی ای که دارند به طور اتوماتیک باید از یک درآمد پایه برخوردار باشند بحثی است که امروز در جوامع اروپایی هم مطرح است. آیا این جهت‌گیری مبنای سوسیالیستی دارد؟ در این مورد چه نظری دارید؟

حمید تقوایی: بله این خواست در جوهر خودش سوسیالیستی است. گرچه ممکن است خیلی از طرف‌دارانش خودشان را سوسیالیست ندانند.

همانطور که اشاره کردید این بحث تازه‌ای نیست، نه تنها برای حزب ما بلکه کلاً در جوامع پیشرفته صنعتی این گفتمان مطرح است. حتی در یکی از ایالت‌های سوئیس اخیراً برای تصویب قانون حقوق یا درآمد پایه رفاندومی برگزار شد. نظراتی هم له و علیه این امر مطرح می‌شود. ولی به نظر من اساس بحث دفاع از حق حیات است. هیچ‌کس نباید گرسنگی بکشد، هیچ‌کس نباید بی‌خانمان باشد، هیچ‌کس نباید در اثر فقر تن به کارهای ناخواسته بدهد، هیچ‌کس نباید از ملزومات یک زندگی در خور انسان در قرن بیست و یکم محروم باشد. بنا به آمار سازمان ملل در دنیای سرمایه زده ما هر ۴/۴ ثانیه یک کودک در اثر بیماری‌های قابل‌پیشگیری جان خود را از دست می‌دهد. علت این فاجعه چیزی به‌جز فقر خانواده‌ها نیست. تعیین درآمد پایه در واقع دفاع از حق حیات است و هر کس از حقوق بشر-دم می‌زند باید قبل از هر چیز حق زندگی را به رسمیت بشناسد. در جوامع سرمایه‌داری اکثر مردم خودبه‌خود حق زندگی ندارند. اگر در خانواده پول‌داری به دنیا بیایید زندگی‌تان تأمین است؛ ولی اگر در یک خانواده کارگری به دنیا آمده باشید مدرسه را تمام کرده و نکرده ناگزیرید برای تأمین معاش روانه بازار کار بشوید و منتظر باشید که هر زمان کارفرما اراده کند و با هر بحران سرمایه‌داری بیکار بشوید و ممر تأمین زندگی خود و خانواده‌تان را از دست بدهید. در بحران ۲۰۰۸ میلیون‌ها نفر در آمریکا نه تنها کار خود بلکه خانه‌شان را از دست دادند و به خیابان پرتاب شدند. در جوامعی مثل ایران و کشورهای به‌اصطلاح جهان‌سومی وضعیت به‌مراتب فاجعه‌بارتر است. در این کشورها فقر بیداد می‌کند و بیکاری و بی‌خانمانی تنها پیامد بحران‌ها نیست؛ بلکه یک پدیده نهادینه شده است. در جمهوری اسلامی بیش از نیمی از جامعه زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

ازین رو باید تأکید کرد که تأمین "درآمد پایه" یک امر صرفاً حقوقی - اقتصادی نیست؛ بلکه به معنی تضمین حق زندگی برای همه انسان‌هاست. ما در ایران سوسیالیستی این را تبدیل کنیم به قانون و به اجرا می‌گذاریم.

حسن صالحی: اقدامات فوری‌ای که بر شمردید بودجه‌هنگفتی لازم دارد. این بودجه چطور تأمین می‌شود؟

آیا سوسیالیسم در ایران امکان‌پذیر است؟ (بخش دوم)

از صفحه ۳

امکانات تکنولوژیک امروز از جمله اینترنت و پلتفرم‌های اینترنتی به شبکه شوراهای امکان می‌دهد که در هر یک از این سطوح تصمیم‌گیری کنند، مقامات و مسئولین را عزل و نصب کنند، سیاست‌گذاری کنند و همه اختیارات را در دست داشته باشند.

اساس فلسفه حکومت شورایی این است که قدرت مافوق مردم شکل نگیرد. شکل شبکه‌ای شوراهای در یک سطح پایه‌ای هر نوع بوروکراسی و بالا و پایین و هرم قدرتی که می‌تواند تبدیل بشود به یک دیکتاتوری و قدرت مافوق مردم را از پایه ناممکن می‌کند و این سیستم شبکه‌ای به یمن اینترنت و مدیای اجتماعی امروز کاملاً امکان‌پذیر است. البته حیطة اختیارات شوراهای در سطح محلی و شهری و استانی و سراسری متفاوت خواهد بود. اینها همه قابل تعریف است، ولی در هر یک از این سطوح شوراهای شبکه‌ای کار می‌کنند و نه سلسله‌مراتبی. شکل شبکه‌ای شوراهای ضامن دموکراسی مستقیم به معنی واقعی کلمه خواهد بود.

اینجا لازم است این را هم توضیح بدهم که هر نوع رجوع به توده مردم به معنی دموکراسی مستقیم و تأمین منافع عمومی جامعه نیست. راست‌های افراطی و پوپولیست‌ها هم به مردم رجوع می‌کنند؛ ولی به مردم غیرمتشکل و با توسل تعصبات نژادی و ملی و مذهبی آنها. تعصبات و مقدسات که جزئی از پولتیک هر روزه دولت‌های کاپیتالیستی و لازمه حفظ سلطه طبقه سرمایه‌دار است، در نظام شورایی هیچ جایی ندارد. ما رجوع می‌کنیم به توده مردم متشکل که منظملاً در جلساتشان مشورت و تبادل نظر می‌کنند و آگاهانه تصمیم می‌گیرند و نه به توده بی‌شکلی که از سر تعصبات و مقدسات ملی - مذهبی - قومی - نژادی که به آنها تزریق شده، تهییج شده‌اند.

نظام شورایی یعنی متشکل شدن توده مردم مطلع و آگاه به منافع خود به‌عنوان پایه‌های حکومت و از این نظر هم با دموکراسی پارلمانی هر چهار سال یکبار اساساً متفاوت است و هم با پوپولیسم دماغ‌گاو احزاب راست افراطی.

همین نکته پاسخ به بخش دوم سؤال شما در مورد تصمیم‌گیری شوراهای را هم روشن می‌کند. احزاب و نیروهای سیاسی مختلف باید برای پیشبرد سیاست‌های خود شوراهای را قانع کنند و رأی شوراهای را با خود داشته باشند. باید توجه داشت که وقتی از سیستم شورایی صحبت می‌کنیم پیش‌فرض ما این است که در اثر یک انقلاب با هرژمونی چپ و سوسیالیستی شوراهای شکل گرفته و به قدرت رسیده‌اند. طبعاً در این روند احزاب و نیروهای چپ نفوذ و پایه اجتماعی وسیع‌تری از احزاب راست خواهند داشت. در همین انقلاب زن زندگی آزادی می‌بینیم که شعارها و مطالبات و توقعات و انتظارات بخش وسیعی از مردم، چپ و رادیکال و مبتنی بر آرمان‌های انسانی است و نه بر اساس تعصبات ملی - میهنی - قومی - مذهبی. قبلاً هم به این اشاره کردم که نفس شعار محوری زن زندگی آزادی یعنی دست‌بالا داشتن ارزش‌ها و آرمان‌های چپ.

ما بعد از سرنگونی رژیم به این خواست‌ها و اهداف انسانی تعیین می‌بخشیم، آنها را به سیاست و پلتفرم‌های عملی ترجمه می‌کنیم و قانونیت و رسمیت می‌دهیم. به نظر من شوراهای برآمده از انقلاب کاملاً آمادگی دارند که همین سیاست‌ها را اتخاذ کنند. البته احزاب دیگر هم در شوراهای حضور دارند و تلاش می‌کنند سیاست‌های خود را به پیش ببرند؛ ولی سیاست‌های سوسیالیستی اکثریت بالائی را در شوراهای خواهد داشت هم به این دلیل که سیستم شورایی حاصل یک انقلاب چپ و رادیکال است و هم به این دلیل که سوسیالیسم منافع واقعی توده مردم متشکل

در شوراهای را نمایندگی می‌کند. اگر یک حزب فعال کمونیست در جامعه و در شوراهای حضور داشته باشد - که طبعاً پس از پیروزی انقلاب چنین حزبی پایگاه وسیعی در جامعه خواهد داشت - من تردیدی ندارم که شوراهای سیاست‌های سوسیالیستی را انتخاب خواهند کرد.

حسن صالحی: پس شما فکر نمی‌کنید که وجود احزاب بورژوازی و طرفدار سرمایه‌داری، سلطنت‌طلبان و جمهوری‌خواهان و نظایر آنها، خطری برای جمهوری سوسیالیستی ایجاد کند؟

حمید تقوایی: به هیچ وجه. من فکر می‌کنم برای تثبیت جمهوری سوسیالیستی باید آزادی احزاب را تضمین کرد. هیچ دفاعی از نظام سوسیالیستی بهتر از این نیست که مثلاً در تلویزیون یا مدیای اجتماعی مناظره‌ای با احزاب راست داشته باشید. در نظام سوسیالیستی همه احزاب - البته احزابی که شریک جرم جمهوری اسلامی نیستند - می‌توانند آزادانه فعالیت کنند.

ما از هر نوع بحث و مناظره‌ای با نیروهای راست استقبال می‌کنیم. از بحث بر سر تولید مبتنی بر سود و استثمار گرفته تا موضوع قدوسیت آبخاک تا بحث بر سر مذهب و وجود و عدم وجود خدا و غیره. ما خواهان آن هستیم که در تمام این موارد آزادانه در رسانه‌ها بحث و مناظره بشود.

بینید تا امروز دست‌بالا را دولت‌ها و رسانه‌های بورژوازی داشته‌اند. شما به‌راحتی نمی‌توانید حتی در پیشرفته‌ترین کشورها مذهب را نقد کنید. چند سال قبل در انگلیس آنتیست‌ها می‌خواستند پوستری منتشر کنند با شعار "خدا وجود ندارد، زندگی راحتی داشته باشید". کلیسا با پشتیبانی دولت اجازه نداد و جمله را تبدیل کردند به خدا احتمالاً وجود ندارد. همیشه آنتیست‌ها سانسور می‌شده‌اند درحالی‌که همه کشیش‌ها و آخوندها و خاخام‌ها آزاد بوده‌اند از محراب و منبر و رسانه‌های دولتی و غیردولتی هر خزعلاتی را به خورد مردم بدهند. در همه جوامع، و به شکل فجیع‌تر از همه در ایران، وضعیت همین است. همیشه زیان کمونیست‌ها و آنتیست‌ها را بریده‌اند و سانسور و سرکوبشان کرده‌اند. اما ما احتیاجی به سانسور و بستن دهان‌ها نداریم. ما خواهان آن هستیم که همه آزاد باشند؛ چون در یک جامعه آزاد حقیقت برنده خواهد بود و حقیقت با ما است. ما آنتیست‌ها، آزاداندیشان مخالفین سرمایه‌داری و بردگی مزدی، منتقدین ناسیونالیسم و خاک پرستی و قوم‌گرایی و همه مقدسات و خرافات مافوق انسانی، نمی‌خواهیم حتی را از کسی. سلب کنیم بلکه می‌خواهیم خودمان هم مانند مخالفینمان در تمام طول تاریخ از حق بیان آزادانه نظراتمان برخوردار باشیم. تضمین آزادی بیان و قلم و فعالیت سیاسی برای همه نیروها و عقاید، بیش از هر نیرویی به نفع سوسیالیست‌ها خواهد بود.

نکته اساسی این است که با انقلاب سوسیالیستی مبارزه حزبی و کلاً مبارزه طبقاتی به پایان نمی‌رسد، ادامه پیدا می‌کند. ما سعی می‌کنیم این را در جهت منافع توده مردم کانالیزه کنیم. تفاوت جمهوری سوسیالیستی با نظام‌های دیگر این است که اینجا سوسیالیست‌ها در قدرت‌اند و این امر هم از نظر حقوقی - قانونی، و هم مهم‌تر از آن از نظر اجتماعی و شرایط زندگی توده مردم، هر تلاشی برای بازگشت به سرمایه‌داری را خنثی می‌کند.

از نظر حقوقی در نظام سوسیالیستی قانون اساسی استثمار را ممنوع اعلام می‌کند. همانطور که قانون اساسی در هر نظام کاپیتالیستی مالکیت خصوص بر ابزار تولید را جزو حقوق مردم می‌شمارد و آن را تثبیت می‌کند و هر نوع خدشه‌ای بر مالکیت سرمایه‌داری را جرم محسوب می‌کند، قانون اساسی سوسیالیستی هر نوع مالکیت خصوصی بر وسایل تولید را جرم اعلام می‌کند. همانطور که تغییر قانون اساسی و لغو استثمار در جوامع سرمایه‌داری نیازمند انقلاب است، در نظام سوسیالیستی هم تنها انقلاب - یا در

هشت مارس روز اهتزاز پرچم بی حجابی عمومی



شهبلا دانشفر

هشت مارس روز جهانی زن امسال در ایران مصادف با هجدهم اسفندماه است. روز جهانی زن اکنون در ایران مهر انقلاب زن زندگی آزادی را بر خود دارد. انقلابی که یک دستاوردش فتح خاکریز حجاب است. در هشت مارس امسال با بی حجابی عمومی پرچم پیروزی‌هایمان در برابر حکومت آپارتاید جنسی- جمهوری اسلامی را

برافراشته‌تر به اهتزاز در آوریم.

سال گذشته، سال ۱۴۰۱ روز جهانی زن را در دل انقلاب زن زندگی آزادی جشن گرفتیم و یک دستاوردش منشور مطالبات پیشرو زنان بود که در کنار منشور خواست‌های حداقلی بیست تشکل مضمون انقلاب زن زندگی آزادی را بیان می‌کرد و به آن غنا بخشید. اسنادی که تاریخی و ماندنی‌اند.

تدارک وسیع برای بزرگداشت روز جهانی زن در سال گذشته با فراخوان ۵۲ تشکل از دانشجویان، دانش‌آموزان، مدافعین حقوق زن و خانواده‌های دادخواه و دیگر بخش‌های اجتماعی و در هم‌صدایی گسترده تشکل‌های مختلف کارگری، بازنشستگان و نهادهای مختلف اجتماعی، ابعاد اجتماعی و توده‌ای آن را به نمایش گذاشت. در این روز خیابان‌های بسیاری به صحنه حضور بی حجاب زنان و آتش‌زدن حجاب این سمبل حاکمیت آپارتاید جنسی و سردادن سرود آزادی و رقص و شادی تبدیل شد و مردم با گرامیداشت یاد مهساها و نیکایا و ساریناها و حدیث‌ها و دیگر جان‌باختگان انقلاب زن زندگی آزادی، روز جهانی زن را گرامی داشتند. یک نیروی مهم گرامی‌داشت هشت مارس سال گذشته، خانواده‌های دادخواه و چهره‌های محبوبی چون گوهر عشقی بود که فرزند عزیزش ستار بهشتی در زندان در زیر شکنجه به دست جانین اسلامی به قتل رسید. او در این روز پیام خود را به صورت دست‌نوشته‌ای که بر رویش نوشته بود: "هشتم مارس روز جهانی زن بر زنان، این بیشتازان مبارزه علیه ظلم در ایران خجسته باد" در مدیای اجتماعی پخش کرد و هشت مارس را گرامی داشت. بدین گونه ۸ مارس ۱۴۰۱ به ۸ مارس تاریخی ۱۳۵۸ گره خورد و مردم با گام‌های استوارشان در راهپیمایی خیابانی و با "فریاد ایستاده‌ایم تا پایان" تداوم انقلاب را فریاد زدند. این چنین بود که هشت مارس سال گذشته به روزی ماندگار در تاریخ مبارزات مردم ایران برای آزادی‌خواهی و رهایی تبدیل شد.

اکنون یک سال از این اتفاقات تاریخ‌ساز می‌گذرد و در این یک سال یک عرصه مهم نبرد مردم با حکومت بر سر حجاب، این خاکریز فتح شده انقلاب بوده و همچنان جریان دارد. بعد از فروکش کردن اعتراضات در کف خیابان، حکومتی که خود را بازنده دید با شقاوت تمام به جان مردم افتاد. گله‌های جنایت‌کار حجاب‌بان خود را به خیابان‌ها ریخت. آرمیتا گراوند را به خاطر نداشتن حجاب به قتل رساندند و سرکوبگری‌های حکومت شدت یافت و موجی از اعدام به راه افتاد. برای اینکه دستاوردهای انقلاب زن زندگی آزادی را باز پس بگیرند و مانع از سر بلند کردن موج قدرتمندتر انقلاب شوند. اما مردم با قدرت ایستاده‌اند و حجاب، اعتراضات گسترده بر سر مطالبات معیشتی و مقابله با سرکوب و اعدام سه عرصه مهم نبرد جانانه مردم برای هموار کردن مسیر انقلاب و برای رهایی از جهنم جمهوری اسلامی است. بی حجابی گسترده و سازمان‌یافته در متروها و در سطح جامعه، کارزار جهانی نه به اعدام که یک سر آن در خارج کشور و سر دیگرش در ایران است، بلندشدن فریاد "نه تهدید، نه زندان، نه اعدام نیست جلودار ما" در کف خیابان از سوی بازنشستگان و سه‌شنبه‌های اعتراضی در زندان قزل‌حصار و دیگر زندان‌ها

و نیز فراخوان سه‌شنبه‌های اعتراضی علیه اعدام از سوی تشکل‌های مختلف کارگری و اجتماعی همه‌وهمه مثال‌های بارز این نبرد گسترده مردمی با حکومت ضدزن سرکوب و کشتار است.

امروز در دل چنین شرایطی و در ادامه اتفاقات تاریخی این دوساله است که به استقبال هشت مارس روز جهانی زن می‌رویم و آن را گرامی می‌داریم. این رویدادها بدون شک در فضای مبارزاتی چنین روز اعتراضی سراسری‌ای که جهانی است و مهر انقلاب زن زندگی آزادی را بر خود دارد بازتاب خواهد داشت و می‌دانم که در این سیر پر شتاب اوضاع روزهای اعتراضی مهمی در پیش است. اما هر کدام از این رویدادها می‌تواند زمینه‌ساز برپایی یک هشت مارس رزمنده و تاریخی باشد؛ بنابراین از هم اکنون قدم‌های اولیه برای تدارک این روز مهم را برداریم.

برخی اقدامات تدارکاتی در این راستا عبارت‌اند از: پیام‌های کوتاه در گرامیداشت روز جهانی زن، خصوصاً از جانب فعالین و اکتیویست‌های جنبش رهایی زن، خانواده‌های دادخواه و دیگر بخش‌های معترض و مبارزاتی جامعه، بیانیه‌های مستقل و مشترک نهادهای مختلف اجتماعی در گرامیداشت این روز، بازپخش وسیع بیانیه مطالبات پیشرو زنان، منتشر شده در هشت مارس سال گذشته، برگزاری سمینار و کنفرانس در مدیای اجتماعی به مناسبت هشت مارس، شعارنویسی، پخش تراکت و اطلاعیه به مناسبت روز جهانی زن در خیابان‌ها و متروها و در شهرهای مختلف، برافراشته شدن بنرهای روز جهانی زن در تجمعات هفتگی بازنشستگان و به استقبال این روز رفتن، گذاشتن پست‌های اعتراضی با گفتمان‌های روز جهانی زن، این روز آزادی‌خواهی و برابری‌طلبی و بالاخره بازپخش صحنه‌های درخشان انقلاب زن زندگی آزادی در مبارزه علیه حجاب و حجاب‌سوزان‌ها و بزرگداشت یاد جان‌باختگان انقلاب زن زندگی آزادی و زنان شجاعی که به خاطر حجاب و به‌خاطر دفاع از آزادی در زندان‌اند و نیز به راه‌انداختن توفان استوری به این مناسبت و...

شعاردی شبانه در شب قبل از روز جهانی زن با فریاد "زن زندگی آزادی" و شعارهایی چون حکومت ضدزن نابود باید گردد، حکومت اسلامی نمی‌خواهیم، نمی‌خواهیم در محلات و در شهرهای مختلف می‌تواند زمینه‌ساز گرامیداشت روز جهانی زن در هجدهم اسفندماه باشد. اما در روز هشت مارس، بی حجابی عمومی پاسخ محکمی به حکومت آپارتاید جنسی و بساط سرکوبگری‌هایش و گام مهمی برای تثبیت فتح خاکریز حجاب است. بعلاوه با استفاده از تجربیات این دوساله از جمله اشکال مهمی که برگزاری روز جهانی را ممکن می‌کند که عبارت‌اند از:

تجمع در پارک‌ها و خیابان‌ها و دانشگاه‌ها و میادین و در هر کجا که ممکن شود، رقص‌های اعتراضی بی حجاب و مختلط در خیابان‌ها و در محلات، پخش گل در میان مردم در خیابان‌ها و متروها و شادباش روز جهانی زن به همگان، پخش موزیک در محلات و در اماکن عمومی، برپا کردن اکت‌ها و پرفورمنس هنری از جمله اجرای موزیک و تئاترهای خیابانی به مناسبت هشت مارس.

دانشگاه‌ها و مدارس دو سنگر مهم برگزاری روز جهانی زن هستند و از هم اکنون باید به استقبالش رفت.

در عین حال روز جهانی زن امسال، روز گرامیداشت مهسا امینی به‌عنوان نماد انقلاب زن زندگی آزادی و گرامیداشت یاد دیگر زنان و دختران شجاعی است که در این انقلاب جان‌شان را از دست دادند، از جمله روز گرامیداشت یاد آرمیتا گراوندها است. رفتن به سراغ خانواده‌های این عزیزان، گل‌باران کردن مزارهایشان، از دیگر اقدامات به مناسبت هشت مارس است.

می‌دهند؛ بلکه گسترش می‌یابند و ابعاد توده‌ای پیدا می‌کنند. بخش‌های مختلف جامعه بالاخره خواست‌های مشخصی دارند و در مورد سیاست‌ها و اقدامات نظرات مختلفی دارند و باید حق داشته باشند متشکل شوند و خواست‌هایشان را دنبال کنند. روشن است که با انقلاب سوسیالیستی همه خواست‌ها به یکباره متحقق نمی‌شود و همه هم نظر نمی‌شوند. همانطور که بالاتر اشاره کردیم نه طبقات و مبارزه طبقاتی به یکباره از بین می‌رود و نه اختلاف سلیقه‌ها و نظرات. از این‌رو همه بخش‌های جامعه باید بتوانند تشکل‌های خودشان را داشته باشند.

شوراها و یا تشکل‌های نوع شورائی تشکل‌های توده‌ای مردم برای دخالت در امور اداره جامعه است و در واقع سازمان حکومت است و نه آلترناتیو انواع تشکل‌های دیگر. اعضای شوراها می‌توانند در تشکل‌های متعدد دیگر نیز عضو باشند و خواست‌های آن تشکل‌ها را در شوراها نمایندگی کنند. احزاب و تشکل‌ها حتی حق دارند در مخالفت با تصمیمات شوراها فعالیت کنند البته بدون آنکه قوانین مصوب شوراها را زیر پا بگذارند. باز تأکید می‌کنم که آزادی انواع تشکل‌ها یک اصل پایه‌ای ما است و یک رکن مهم آزادی‌های سیاسی و مدنی در نظام سوسیالیستی خواهد بود.

حسن صالحی: خیلی متشکرم. سؤالات دیگری باقی‌مانده که در برنامه‌های آتی به آنها خواهیم پرداخت.

۲۱ اسفند ۱۴۰۲، ۲۱ فوریه ۲۰۲۴

هشت مارس روز اهتزاز پرچم بی‌حجابی عمومی

از صفحه ۵

زنان شجاعی چون سپیده قلبان، نرگس محمدی، گلرخ ایرانی و ده‌ها زن معترض دیگر در زندان اوین است که یک ستون محکم انقلاب زن زندگی آزادی بوده و هستند. زنان شجاعی که در هنگام بازرسی مقامات جنایت‌کار قضایی از زندان علیه حکومت اعدام و سرکوب، شعار زن زندگی آزادی و مرگ بر دیکتاتور را سر دادند. زنانی که در اعتراض به اعدام‌ها به پا خاستند و با اعتصاب‌غذای خود به جنبش علیه اعدام قدرت بخشیدند. سپیده قلبان که حاضر نشد در دادگاه حکومت حجاب بر سر کند و بیدادگاهشان را به چالش کشید. عکس و تصویر همه این عزیزان را باید در همه‌جا نصب کرد و بر آزادی فوری و بدون قیدوشرط آنان و همه زنان و انسان‌هایی که به‌خاطر حجاب در زندان‌اند تأکید کرد.

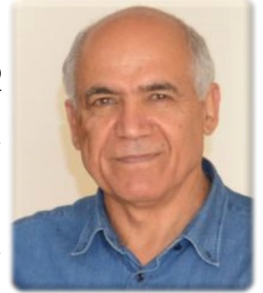
و بالاخره اینکه در روز جهانی زن مدیای اجتماعی می‌تواند محلی برای بازتاب تحرکات اعتراضی جامعه به این مناسبت و بیانیه‌های ویژه این روز و برگزاری مراسم‌های آنلاینی در گرامیداشت هشت مارس، روز جهانی زن باشد. زنده‌باد هشت مارس روز جهانی زن!

کارگر زندانی آزاد باید گردد!

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

این حزب شماست، به آن کمک مالی کنید!

از صفحه نخست



است که مطالباتی مانند تحصیل و درمان رایگان و خواست‌های رفاهی مردم و آزادی‌های بی‌قیدوشرط را به مطالبات عمومی جامعه تبدیل کند. پیش از سه دهه از عمر این حزب و فعالیت‌های مستمر و شبانه‌روزی اعضا و کادرهای آن، این حزب را به فعال‌ترین حزب سیاسی اپوزیسیون و کانال جدید را به صدای رسای انقلاب تبدیل کرده و از هر نظر شایسته حمایت گرم همه مبارزین علیه جمهوری اسلامی است.

به این حزب کمک کنید. نه فقط برای تضمین آینده پس از جمهوری اسلامی بلکه همچنین برای پیشروی مبارزه علیه جمهوری اسلامی، برای تبدیل شدن به حزبی که توانایی و شایستگی رهبری انقلاب علیه جمهوری اسلامی را دارد، حزبی که جامعه به‌شدت به آن نیاز دارد.

این حزب شما است. شما را فرامی‌خوانم با هر چه در توان دارید به این حزب کمک مالی کنید تا با دست بازتری نقش مؤثرتری در سازماندهی و پیشبرد انقلاب زن زندگی آزادی ایفا کند.*

آیا سوسیالیسم در ایران امکان‌پذیر است؟ (بخش دوم)

از صفحه ۴

واقع ضدانقلاب - طرفداران سرمایه می‌تواند قانون اساسی را تغییر بدهد؛ بنابراین از نظر قانونی احیای سرمایه‌داری و به‌هنگام بردن جامعه به‌هیچ‌وجه امر ساده‌ای نیست. تضمین آزادی‌های سیاسی برای همه احزاب و جریانات نه‌تنها این امر را تسهیل نمی‌کند؛ بلکه برعکس، خود سدی در برابر احیای دیکتاتوری کاپیتالیستی است.

از نظر اجتماعی نیز پیاده‌شدن سیاست‌های سوسیالیستی - دخالت توده مردم متشکل در شوراها در امور سیاسی و اجتماعی، تضمین آزادی‌های مدنی و سیاسی، رفع تبعیضات و تأمین رفاه عمومی - جایی برای رشد نیروهای راست و مخالفین نظام سوسیالیستی باقی نمی‌گذارد. هر اندازه سیاست‌های سوسیالیستی بیشتر و جامع‌تر در جامعه عملی شود نیروهای راست نیز زمینه‌های عینی رشد و کسب نفوذ خود را بیشتر از دست می‌دهند و حاشیه‌ای‌تر و منزوی‌تر می‌شوند.

باتوجه‌به نکات فوق باید گفت تضمین و تأمین آزادی‌های مدنی و سیاسی و همچنین آزادی از جبر اقتصادی که پایه همه آزادی‌ها است، نه‌تنها یک امر ایدئال و آرمانی ما است؛ بلکه عملاً نیز در خدمت تثبیت حقانیت نظام سوسیالیستی قرار می‌گیرد.

حسن صالحی: شما شیوه کار شوراها را توضیح دادید. سؤال که مطرح می‌شود این است که آیا شوراها تنها شکل سازمان‌یابی مردم در نظام سوسیالیستی است؟ تکلیف تشکل‌های دیگر نظیر سندیکاها و نهادها و کانون‌ها و سمن‌ها و ان‌جی‌اوها و نظایر آن چه می‌شود؟

حمید تقوایی: شوراها ارکان و ستون فقرات حکومت هستند؛ ولی تشکل‌های زیادی در جامعه وجود دارند و حتی ما تلاش می‌کنیم ایجاد بشوند. همین امروز ما کمیته و نهادهای متعددی متشکل از فعالین جنبش کارگری داریم، سندیکاها و شوراها اعتراضی را داریم، نهادها، کانون‌ها، سمن‌ها، ان‌جی‌اوها را داریم. همه اینها نه‌تنها به کارشان ادامه

اجلاس دوحه، هیاهویی پوچ



سیامک بهاری

اطمینان حاصل شود که نقشه راهی برای رسیدگی به نگرانی هر دو طرف به وجود بیاید.»

کدام دو طرف؟

یک نکته مهم و اساسی این است که در محاسبات دولت‌ها و سازمان ملل، قرار نبوده و نیست که مردم افغانستان را به‌عنوان قربانی مستقیم حاکمیت تروریستی طالبان یک طرف در مقابل طالبان به‌حساب بیاورند. دو طرف فرضی سازمان ملل، طالبان و دیگر دولت‌ها است! پارادایمی که منطقیاً حفظ طالبان و ایجاد رابطه نرمال و کم‌هزینه با آن است. با قبول این پیش‌فرض، از نگاه غرب و سازمان ملل، بحران به درجه بزرگی حل شده است. زندگی فاجعه‌بار میلیون‌ها مردم زیر چکمه حاکمیت توحش طالبانی هم مشکل سازمان ملل و دولت‌های متبوعه نیست. وگرنه سازمان ملل به نفع جامعه و مردم افغانستان، طالبان را به جرم جنایت مکرر و خشن علیه بشریت، پای میز محاکمه می‌کشاند نه میز مذاکره!

طالبان در توافق با آمریکا و متحدانش به قدرت بازگردانده شد. این مهم است، اما به‌تنهایی نقطه عطف و موقعیت جدید طالبان در تناسب قوای منطقه نیست. خروج تدریجی آمریکا از منطقه، اتکای سیاسی این گروه تروریستی برای حفظ موقعیت بین‌المللی و روابط منطقه‌ای، مشخصاً به محور روسیه، چین و ایران گره‌خورده است. چنانچه تحریم کنفرانس دوحه از سوی طالبان، با حمایت صریح روسیه، موضع نسبتاً خنثی چین و نرمش آشکار جمهوری اسلامی ایران روبرو شد.

طالبان در موقعیتی نیست که با انتظارات کشورهای دیگر ولو به‌ظاهر، روبرو شود. چرا که نه مشروعیتی در داخل دارد، نه اعتباری در خارج. علی‌رغم این می‌خواهد همانطور که هست، پذیرفته شود! این نه از قدرت و ثبات آن که پاشنه آشیل و نقطه ضعف اساسی آن است. اتکا به روابط مافیایی و تروریستی، محور مناسبات خارجی آشکار و نهان و به‌ظاهر پیچیده، مشخصه سیاست خارجی طالبان است. بلوک روسیه، چین و جمهوری اسلامی ایران بر این ضعف طالبان سوارند.

بنابراین، طالبان موقعیت نامتعادل و بی‌ثبات خود را نه برای حل وضعیت بحرانی افغانستان از طریق بهبود وضعیت داخلی و مانور در کریدورهای بین‌المللی و روابط و انتظارات الزام‌آور در پیشگاه افکار عمومی جهانیان که از طریق توافقات سیاسی - اقتصادی، بر بستر رقابت‌ها و شکاف‌های منطقه‌ای تأمین و حفظ می‌کند و تحریم‌های بین‌المللی را دور می‌زند. سیاستی سیال، شکننده، نامتعادل و در حال نوسان.

طالبان برای شرکت در نشست دوحه به‌عنوان حکومت، مشروعیت سیاسی نداشت، اما خواهان آن بود، به‌عنوان تنها نماینده افغانستان پذیرفته شود، با دیرکل سازمان ملل مستقیماً و بدون واسطه مذاکره کند وگرنه شرکت نخواهد کرد. محمد نعیم، نماینده طالبان در دوحه: «پذیرفته‌نشدن شرط‌های حکومت طالبان از جمله گفتگوی رودرو با دیرکل سازمان ملل و اینکه تنها نمایندگی رسمی از جانب افغانستان باشند، از دلایل عمده شرکت نکردن طالبان در نشست دوحه است.»

برای طالبان هم واضح بود که این اجلاس برای سفیدنمایی و تعامل و سازش و تلاش برای یافتن راهی برای به‌رسمیت‌شناسی آن ترتیب داده شده است. اما مادام که امکان روابط در شکاف‌های سیاسی و رقابت‌ها موجود است، طالبان بستر مناسبی برای بقا خواهد داشت. به همین دلیل، ترجیح داد به‌جای پذیرش موضع ضعف، بازی باخت‌باخت را پیش ببرد. هم شرکت نکند و هم کل کنفرانس را به چالش بکشد. حمایت آشکار و صریح بلوک روسیه را هم پشتوانه خودش کرد و به درجه‌ای موقعیت خود را نیز روشن

اجلاس دوروزه دوحه دربارہ بحران افغانستان به سرپرستی سازمان ملل با شرکت ۲۵ کشور و چندین نهاد منطقه‌ای برای یافتن نقشه راه تعامل با طالبان، پایان یافت. این دومین نشست طی ده ماه اخیر است که بدون دستاورد قابل‌توجهی برگزار می‌شود. اگر همه هیاهو و تبلیغات و بزرگ‌نمایی و پیچ‌وتاب دیپلماتیک پیرامون

این اجلاس را کنار بزنیم ساده و روشن قرار بر این است که نقشه راه به‌رسمیت‌شناسی، کنارآمدن و سازش با یک گروه تروریستی وحشی، ضدزن و متحجر را در قالب توجیهاتی به نام تعامل با طالبان ببینند و به خورد جهان بدهند. این تمام داستان اجلاس دوحه است.

می‌خواهند انتظارات کشورهای ذی‌نفع برای کنارآمدن با طالبان، تحت عنوان تصمیم جهانی و ابتکار سازمان ملل برای حل بحران در افغانستان، تحت لوای نشست سازمان ملل، توافقی جمعی قلمداد شود. چرا که با حجم سابقه جنایی و کارکرد تروریستی و کارنامه خونبار و ملامت از فجایع بی‌شمار طالبان، عملاً هیچ توجیه قابل‌قبولی برای به‌رسمیت‌شناسی و مشروعیت طالبان وجود ندارد. فعلاً هیچ دولتی هم حاضر نیست به‌تنهایی چنین ریسکی را بپذیرد و خود را انگشت‌نمای عالم‌آدم بکند و با طالبان تداوی شود. حتی خالقین طالبان نیز نمی‌توانند مستقیماً اقدام کنند و پا پیش بگذارند.

آنچه بحران افغانستان نامیده می‌شود در اساس وجود خود طالبان و حامیان آشکار و نهان آن است. درحالی‌که چیزی به نام اجماع و تفاهم بین‌المللی برای به‌رسمیت‌شناسی این گروه تروریستی وجود ندارد. نشست دوحه در صدد اختراع تفاهم و مشروعیت‌بخشی. به حاکمیت طالبان است. این دقیقاً به معنای تشدید بحران افغانستان و همه پیامدهای هولناک انسانی برای مردم مصیبت‌زده افغانستان است.

به بیان دیگر، سنگی را که آمریکا و متحدین آن در چاه انداخته‌اند، می‌خواهند به ضرب چنین نشست‌هایی در بیاورند. افاضات "جامعه جهانی" و "توافق بین‌المللی"، حضور "فعالین مدنی" و حتی انتقادات به‌ظاهر تند به انحصارطلبی طالبان و دولت "همه‌شمول" انواع ژست و فیگور و فریبکاری دیپلماتیک و بخشی. از تزیینات این کنفرانس و فرض گرفتن ماندگاری حاکمیت طالبان بر افغانستان است.

دیگر باید روشن باشد، دُمَل چرکینی که به نام پروسه صلح، سازش با طالبان و "اهلی شدن" آن خلق کردند، سرباز کرده است. اجرای توافق‌نامه دوحه در فوریه سال ۲۰۲۰ یکی از فجیع‌ترین و هولناک‌ترین جنایات سرمایه‌داری معاصر در قرن اخیر در نابودی یک جامعه مصیبت‌زده و تقدیم یک کشور به تروریسم هار اسلامی، عوارض ویران‌کننده‌ای دارد که شاهدش هستیم.

وانگهی مشخص بود طالبان افسار پاره خواهد کرد. بدوآ تلاش کردند در انظار جهانی میان صفوف طالبان جناح اصلاح‌طلبی بتراشند، تا از این راه بتوان آن را به جهان حقنه کرد، اما جنگ قدرت باندهای مافیایی این جریان تروریستی، پتانسیل چنین معرکه‌گیری را از خود نشان ندادند. لاجرم سراغ راهکار دیگری برای تظہیر آن رفتند. کنفرانس اسلو، کنفرانس مسکو، نشست تهران، کنفرانس ترکیه، نشست دوحه یک و حالا نشست دوحه دو، سازمان ملل به نیابت از آمریکا و متحدین آن، محلل رابطه و بستری برای سفیدنمایی طالبان در این بن‌بست است. آنتونیو گوتیش می‌گوید: «از اهداف اصلی اجلاس این است که بر این بن‌بست فائق بیاییم و

اجلاس دوحه، هیاهویی پوچ از صفحه ۷

کرد. این جایگاه "طرف"های موردنظر سازمان ملل و تناقضات درونی آن است که تلاش دارد سرهم‌بندی کند.

راه حل بحران افغانستان

تناقض کنارآمدن با طالبان به‌عنوان یک گروه تروریستی که آمریکا و متحدانش بیست سال برای سرکوب آن افغانستان را شخم زدند، بعد مصالحه کردند، به‌عنوان بدیل حکومت و به قدرت سیاسی رسانده شدند، روشن است. این بازی کثیف سیاسی برای سرهم‌بندی منافع دولت‌ها، بر متن رقابت‌ها و تناسب قوای دولت‌ها و قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای است. چطور می‌شود از پدرخوانده تروریسم خواست که مانع گسترش تروریسم در منطقه شود، حقوق زنان را به رسمیت بشناسد، اهلی باشد، چنگ‌و دندان نشان ندهد، دست از سرکوب وحشیانه مردم بردارد، متعادل و میانه‌رو باشد، دولت "همه‌شمول" تشکیل بدهد تا قابل هضم شود؟! این ادامه و تشدید بحران و خانه‌خراپی بیشتر و ابدی کردن فلاکت جامعه است.

بحران کنونی فقط به دست خود مردم و با اراده آنان حل خواهد شد. صورت مسئله، رهایی از شر تروریسم اسلامی طالبان، حامیان آن، واسطه‌ها و معامله‌گران احزاب جهادی و بازیگران قومی است. راه رهایی مردم افغانستان نه از اجلاس دوحه می‌گذرد و نه از گفتگوهای بین‌الاقوامی. این کلاهبرداری‌های سیاسی را باید کنار زد. شعبده‌بازی دولت "همه‌شمول" فرمولی نخنما برای ماندگار کردن طالبان و شراکت قدرت با احزاب جهادی است.

آنچه باید روی میز مطالبات مردم افغانستان بیاید، سکولاریسم، آزادی و برابری است. جدایی دین از دولت، تأمین حق شهروندی و به میدان آوردن نیروی اجتماعی که نه به نام دین و مذهب و قومیت که بنام انسانیت، به نام عدالت و برابری، رفع تبعیض، برابری حقوق زنان در همه شئون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دست همه سوداگران سیاسی و جنگ‌سالاران، کلاهبرداران قومی تحت هر نام و هر نشان را از سر مردم کوتاه کند. برای فائق آمدن بر تضاد قومی در افغانستان هدفش تحقق «نه قومیت، نه ملیت، زنده‌باد انسانیت» باشد.

همه تشکلهای سیاسی موجود اگر با این خط و در این جهت فعالیت نکنند بخشی-از تشدید بحران و به کج‌راهه کشاندن مردم محسوب می‌شوند. همه جبهه‌هایی که اسلحه در دست در مقابل طالب حتی جان فدا می‌کنند اگر رنگ قوم و قبیله و مذهب بر خود دارند، نهایتاً ادامه راه احزاب جهادی و الگویی شبیه حکومت پوشالی سابق از کار در خواهند آمد، اسپر بندوبست احزاب جهادی و درمانده‌های حکومت پیشین و زانده منافع قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای خواهند شد.

تشکل‌های زنان که طی این مدت حماسه آفریدند و صدای رسای مردم بی‌پناه افغانستان شدند باید حساب خود را از احزاب و نیروهای فریبکار قومی جدا کنند. وگرنه در تندپیچ‌های پیش رو راهشان از مبارزه مردمی برای تحقق آزادی و برابری جدا خواهد شد. تکاپو برای شرکت در کنفرانس دوحه، بیانیه مشترک با احزاب قومی و مذهبی یکی از همین تندپیچ‌ها بود. طالبان تلاش دارند با ارباب و وحشت‌افکنی، انزوا، ضعف و زیونی خود در اداره کشور و ترس خود از قدرت مردم را پنهان کنند.

علی‌رغم همه مصائب و فلاکت تحمیلی این عزم مردم برای از میان برداشتن طالبان به قدرت اتحاد خود تنها چاره حل بحران افغانستان و برپایی جامعه‌ای انسانی، مرفه و شاد و باعزت است.*

به حزب کمونیست کارگری کمک مالی کنید!

کمک به حزب یعنی کمک به مبارزه علیه اعدام

یعنی کمک به مبارزه علیه حجاب و آپارتاید جنسی

یعنی کمک به جنبش دادخواهی

یعنی کمک به مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

کمک به حزب یعنی کمک به مبارزه علیه فقر و فساد

یعنی کمک به مبارزه علیه تروریسم و خرافات و

قوانین اسلامی در ایران و در همه جهان

یعنی کمک به مبارزه برای بایکوت جهانی رژیم

آدمکش حاکم بر ایران

کمک به حزب یعنی کمک به تریبون انقلاب،

تلویزیون کانال جدید

یعنی کمک به مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی

کمک به حزب کمونیست کارگری یعنی تقویت انقلاب زن زندگی آزادی

به حزب کمونیست کارگری کمک مالی کنید!



ابعادی تازه از کارزار اعتراض علیه اعدام

مهران محبی

آذریار، محمد فرامرز و محمد قبادلو و فرهاد سلیمی زندانی عقیدتی و ده‌ها زندانی دیگر با جرائم عادی را اعدام کرده است. همچنین برای تعدادی دیگر از زندانیان سیاسی احکام اعدام صادر کرده و آنها را تحت فشارهای جسمی و روانی قرار داده است.

علاوه بر زندانیان سیاسی محکوم به اعدامی که نامشان در متن زندانیان معترض به اعدام قزل‌حصار آمده است، افرادی مانند عباس دریس، رضا رسایی، سامان یاسین، مجاهد کورکور، فاضل بهرامیان، مهران بهرامیان، محمدجواد وفاپن‌ثانی و شاهین وصاف احکام اعدام گرفته‌اند و افرادی مانند مرضیه فارسی، فروغ تقی‌پور و نسیم غلامی‌سیمیری با اتهام "بغی" و صمد پورشه، وریشه مرادی و پخش‌ان عزیززی به اتهام "سب‌النبی" زیر شکنجه هستند که می‌تواند به صدور احکام اعدام برایشان منجر گردد.

جمهوری اسلامی فقط در ماه ژانویه ۲۰۲۴ میلادی یعنی از ۱۰ دی تا ۱۰ بهمن ۱۴۰۲ خورشیدی ۸۹ نفر را اعدام و برای ۳۵ نفر هم احکام اعدام صادر کرده است.

جنگ میان مردم و جمهوری اسلامی، جنگ برای بقا است. مردم برای دفاع از زندگی و زنده‌ماندن با حکومت اعدام و قتل و کشتار و شکنجه می‌جنگند و حکومت نیز برای حفظ بقا و ادامه عمر ننگینش می‌کشد و اعدام و شکنجه می‌کند. این جنگ تا سرنگونی رژیم ادامه خواهد داشت، اما با ادامه و گسترش بیشتر اعتراضات علیه اعدام می‌توان طناب دار را از دست حکومت قبل از سرنگون کردنش گرفت و ماشین اعدامش را از کار انداخت و پایان دادن به عمرش را تسهیل و تعجیل کرد. حکومت قتل و اعدام تا زمانی که طناب دار در دست دارد و ماشین اعدامش کار می‌کند می‌کوشد اعتراضات را سرکوب کند و بر عمرش بیفزاید.

شرایط انقلابی، اوضاع حکومت را از هر نظر چه در داخل و چه در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی بحرانی و ناستوار کرده است. رژیم دچار جنون شده است و هیچ روزنه‌ای برای خلاصی در برابر خود نمی‌بیند. تحت فشار مبارزات و اعتراضات مردم علیه جمهوری اسلامی و مامشات گران، عرصه‌های بین‌المللی برایش در حال دگرگونی و تنگ شدن هستند.

ما مردم انقلابی برخی از مامشات گران تا دیروز را ناچار به احتیاط در روابط و فاصله گرفتن از حکومت کرده‌ایم. کاری کرده‌ایم که در کنفرانس امنیتی مونیخ از نامه سپیده قلیان و مادران دادخواه انقلاب "زن، زندگی، آزادی" استقبال می‌شود و جمهوری اسلامی را بیرون اندازند.

جمهوری اسلامی به هر دری می‌زند به رویش بسته می‌شود. دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی مانند گذشته امکان مامشاتگری ندارند. حامیان تا دیروز حکومت امید به ادامه حیات جمهوری اسلامی حتی برای یک مدت دو سه‌ساله دیگر را از دست داده‌اند. قدرت انقلاب و اعتراضات وسیع به قتل و کشتار و اعدام توسط جمهوری اسلامی که جهان متمدن را به واکنش واداشته است، دست کسی مانند النشیف را بسته است تا برای حکومت مشروعیت و اعتبار ببخشد. هنوز حتی گزارش و ویدئویی از ورود النشیف و شرایط اقامت و خروجش از ایران منتشر نشده است.

جمهوری اسلامی در چنین شرایطی در مخمصه انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان هم گیر افتاده است. مدت‌هاست که خود را به هر خفت و خواری می‌زنند. برای ترغیب و تشویق جوانان به شرکت در انتخابات، میمون‌های باحجاب و بی‌حجاب را به رقص در می‌آورند و دست‌گدایی مشروعیت به سوی مردم دراز می‌کنند. اما کار حکومت تمام است و این دلک‌بازی‌ها برایش کارساز نخواهد بود و به‌زودی در روز انتخابات، نمایشی دیگر از رسوایی و بی‌اعتباری‌اش بر روی پرده خواهد رفت. بعد از مخمصه انتخابات، جمهوری اسلامی درمانده‌تر و خوار و خفیف‌تر خواهد شد.*

کارزار یک‌هفته‌ای علیه اعدام که از ۲۳ دی ۱۴۰۲ شروع شد به دلیل اهمیت مبارزه برای پایان دادن به اعدام که دفاع از جان انسان‌هاست، محدود به یک هفته نماند و بیش از یک ماه است که پرکار و با جدیت در سطحی گسترده و جهانی به حیات خود ادامه می‌دهد. طی یک هفته کارزار، تشکل‌ها و افراد زیادی بیانیه دادند، ۶۰ نفر از زنان زندانی در اوین اعتصاب‌غذا کردند و در خارج هم ده‌ها سازمان و نهاد اعلام حمایت از کارزار کردند و در بیش از ۴۰ شهر در ۱۵ کشور جهان تجمعات و تظاهرات‌های اعتراض علیه اعدام برپا شدند. در ادامه، تشکل‌ها و نهادهای کارگری و اجتماعی بیشتری در داخل کشور به کارزار پیوستند. به دنبال انتشار خبر سفر ندا النشیف معاون کمیساری عالی حقوق بشر سازمان ملل به ایران نامه‌های سرگشاده از داخل و خارج خطاب به او منتشر شدند. شعارنویسی در دانشگاه‌ها و در سطح شهرها نیز عرصه‌ای دیگر از کارزار علیه اعدام است که با شروع کارزار آغاز شده و همچنان فعالانه جریان دارد.

طی یک هفته گذشته با اقدامات ارزنده زندانیان سیاسی و خانواده‌های دادخواه ابعاد و توان بیشتری به کارزار علیه اعدام بخشیده شده است؛

سپیده قلیان زندانی سیاسی محبوس در زندان اوین در نام‌های به کنفرانس امنیتی مونیخ خواهان افزایش فشارهای بین‌المللی بر رژیم اسلامی برای پایان بخشیدن به اعدام شده است. در بخشی از این نامه نوشته شده است که: "جنش زن، زندگی، آزادی جنبشی نیست که به این زودی‌ها بخوابد، نسلی در جریان این انقلاب به پا خاسته است که نه‌تنها جمهوری اسلامی، بلکه تفکر استبدادی را زیر سؤال برده است... فشارهای بین‌المللی را بر این رژیم خونخوار افزایش دهید، آمار اعدام‌ها را در ایران ببینید، این آمارها هر کدام یک زندگی بودند، ما به‌خاطر مقاومت بیشتر در حال سرکوب شدیدتر هستیم."

تعداد ۱۵ تن از مادران دادخواه انقلاب "زن، زندگی، آزادی" در کردستان طی نام‌های به کنفرانس امنیتی مونیخ خواهان اقدامات جدی جامعه بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی شدند تا دست از اعدام زندانیان بردارد. در این نامه آمده است: "ضمن خرسندی از اینکه کنفرانس مونیخ امسال نیز عذر جمهوری اسلامی را خواست، می‌خواهیم از این تریبون توجه جامعه بین‌المللی را به موج اعدام‌ها در ایران جلب کنیم... جمهوری اسلامی به‌تازگی چندین زندانی از جمله هفت زندانی سیاسی کرد را به اتهام واهی همکاری با اسرائیل کشته است؛ حتی جسدهای این عزیزان به ما برگردانده نشده‌اند. دیگر باید چه شود که جهان دمکراتیک همچون ما خانواده‌های دادخواه متحد علیه این نظام خونخوار بایستد؟"

روز سه‌شنبه اول اسفند در چهارمین سه‌شنبه اعتراض علیه اعدام زندانیان معترض به اعدام در زندان قزل‌حصار همراه با زندانیانی در زندان‌های اوین، کرج، خرم‌آباد، شیراز و سقز در اعتراض به صدور و اجرای احکام اعدام اعتصاب‌غذا کردند.

زندانیان معترض قزل‌حصار در متنی که روز قبل از اعتصاب در این رابطه منتشر کرده‌اند، مشخصاً از تعدادی از زندانیانی که در زندان‌های اوین و قزل‌حصار به‌تازگی اتهام محاربه و حکم اعدام دریافت کرده‌اند شامل مهدی حسینی، مهدی ایمانی، نوید نجاران، میلاد آرمان متهمان به محاربه در پرونده موسوم به اکباتان، محمد خضرنژاد، شهاب نادعلی، غنی شه‌بخش، سلیمان شه‌بخش، عبدالرحیم قنبرزهی (میریلوچ زهی) و عیدو شه‌بخش محکومان به اعدام نام‌برده و مورد اعتراض قرار داده‌اند.

در برابر این کارزار گسترده و قدرتمند جهانی علیه اعدام، رژیم جنایت‌کار اسلامی همچنان بر تهدیدات و صدور و اجرای احکام اعدام ادامه می‌دهد. در این دوره کوتاه یک ماه و نیمه‌ای که کارزار علیه اعدام فعال است، حکومت پنج زندانی سیاسی به نام‌های پژمان فاتحی، محسن مظلوم، وفا

۷۶ درصد کارگران قربانی حوادث کار در سال گذشته، فاقد بیمه بودند!



محمد شکوهی

ابعاد فاجعه از اینجا آغاز و توسط سرمایه‌داران اسلامی سازماندهی می‌شود. در قوانین بیمه‌های تأمین اجتماعی ده‌ها بند و تبصره اندریاب شرایط و ملزومات بیمه شدن و برخورداری از بیمه‌های اجتماعی وجود دارد که خود یک عامل مهم تعبیه شده در قوانین کار حکومت است که دستیابی کارگران به بیمه‌های اجتماعی و برخورداری از این بیمه‌ها را برای میلیون‌ها کارگر به مراتب سخت‌تر و تقریباً دور از دسترس کرده است. قوانینی که بر اساس منافع سرمایه‌داران و حکومتشان، کارگران را در بدترین شرایط کاری با کمترین دستمزد و بدون هیچ گونه بیمه‌ای و ادار به کار در این نظام کارگش کرده است.

فقر و فلاکت، بالابودن بیکاری در کنار گرانی‌های سرسام‌آور هزینه‌های زندگی و... میلیون‌ها کارگر را مجبور کرده به فروش نیروی کارشان در بدترین و غیرانسانی‌ترین شرایط کار با تمام خطرات و دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر تن بدهند. وزارت کار، سازمان تأمین اجتماعی و شرکت‌های بیمه‌گر به همراه کل حکومت از بنیان و عاملان این فاجعه بزرگ اجتماعی هستند.

میلیون‌ها کارگر در بخش‌های ساختمان، خدمات، شهرداری‌ها، توانیر، مخابرات، کارگران شرکت‌های کشت و صنعت، کارگران مناطق نفت‌خیز در جنوب کشور با قراردادهای موقت، پروژه‌ای و... سال‌هاست در صف انتظار بیمه شدن هستند. هر سال حکومت وعده می‌دهد و نهایتاً با وقاحت اعلام می‌کنند منابع و اعتبارات مالی برای تأمین بیمه‌های این کارگران را ندارند. آنجایی هم که بخش‌هایی از کارگران بیمه‌های تأمین اجتماعی، از جمله بیمه درمانی؛ مثلاً شامل حالشان می‌شود، با بالابودن هزینه درمان، زندگی‌های هزاران کارگر هر ساله نابود می‌شود. مورد دریافت بیمه بیکاری که گویا قرار بود سازمان تأمین اجتماعی، وزارت کار و حکومت طبق قوانینی که خودشان تصویب کرده بودند، به اجرا بگذارند، وضعیت به مراتب فاجعه‌بارتر است. بیمه بیکاری طبق سیاست‌های وزارت کار و قوانین تأمین اجتماعی شامل حال جمعیت بزرگی از بیکاران کشور نمی‌شود.

ابعاد فاجعه با مراجعه به آمار و ارقام حکومت در باره پرداخت بیمه بیکاری به کارگران بیکار شده روشن می‌شود. برای مثال این خبر:

"در آخرین گزارش منتشر شده در وب‌سایت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی آمده است: در سال ۱۴۰۱ تعداد مقرری‌بگیران بیمه بیکاری در پایان سال گذشته به ۱۷۵ هزار و ۳۹۱ نفر رسیده که نسبت به مدت مشابه، سال ۱۴۰۰ با کاهش ۵۹ درصدی داشته است. علاوه بر این طبق اعلام گزارشات حکومتی جمعیت بیکار کشور سال گذشته ۲ میلیون و ۳۸۴ نفر برآورد شده است."

طبق همین آمار حکومتی حتی تمام این جمعیت که به‌عنوان بیکار حساب شده بیمه بیکاری شامل حالشان نشده است. این وضعیت بیمه‌ها و امکانات ایمنی در محیط‌های کار است. سالانه هزاران کارگر دچار حادثه در حین کار می‌شوند. میانگین مرگومیر کارگران در این مورد با استناد به داده‌های آماری حکومت رقمی بین ۹۰۰ تا بالای ۱۳۰۰ نفر و مصدومیت هزاران نفر دیگر حکایت دارد.

خدمات بیمه‌ای و بیمه بیکاری اکثراً شامل حال این جمعیت نمی‌شود. نهایتاً پول دو ماه حقوق را علی‌الحساب به کارگر حادثه‌دیده پرداخت و حواله سازمان تأمین اجتماعی می‌دهند. بدین ترتیب سالانه هزاران کارگر به دلیل نقض عضو از کار اخراج می‌شوند.

کارفرمایان در همه موارد با وقاحت تمام

روزنامه حکومتی کار و کارگر اواخر بهمن ماه با استناد به آمار سازمان تأمین اجتماعی نوشت: سال ۱۴۰۱ بر اثر حوادث ناشی از کار ۴۵۵ کارگر جان خود را از دست دادند که ۷۶ درصد این کارگران فاقد بیمه تأمین اجتماعی بودند! در خبر دیگری سازمان پزشکی قانونی در این بازه زمانی تعداد کارگران جان‌باخته بر اثر حوادث ناشی از کار را

۱۹۰۰ نفر اعلام کرده است.

تفاوت‌های آمار و ارقامی که در همین خبر دو نهاد حکومتی به‌وضوح روشن است، نشان می‌دهد که حکومت و سرمایه‌داران چه سیاست‌های ضدانسانی و کثیفی در باره اعلام اخبار و گزارشات حوادث کار در پیش گرفته‌اند. اینها تازه با دست کاری و پائین آوردن آمار و ارقام، آن‌هم در مراکز مهم و بزرگ کارگری که اسمورسمی دارند و در جایی ثبت شده‌اند، در تلاش هستند ابعاد فاجعه کشتار کارگران در محیط‌های کار را کمتر نشان بدهند. ابعاد کشتار کارگران در محیط‌های کار بسیار بالاتر از ارقام حکومتی است. در این شکی نیست.

مؤسسات مختلف حکومتی معروف به "اداره‌جات استاندارد صنایع" در سالیان اخیر بارها اعلام کرده‌اند که استانداردهای ایمنی کار در صنایع بزرگ و تکنیک تولید در بیش از ۶۰ درصد صنایع کشور متعلق به بیش از ۵۰ سال پیش است که خود این عقب‌ماندگی تکنیکی یک دلیل اصلی افزایش حوادث کار است. مستهلک بودن صنایع، به‌ویژه در نفت، فولاد، پالایشگاه‌ها، صنایع حفاری، ماشین‌سازی‌ها و... در کنار تقریباً نبود امکانات ایمنی کار و تجهیزات لازم باعث بروز روزانه حوادث در محیط‌های کارگری و کشتار کارگران می‌شود.

از این منظر ابعاد حوادث کار را دیدن نشان می‌دهد که چگونه روزانه میلیون‌ها کارگر با ترس از تکرار حوادث مرگ‌بار، انفجار و آتش‌سوزی در بدترین شرایط مجبور به کار هستند. در یک چنین وضعیتی سرمایه‌داران و دولت به‌عنوان بزرگ‌ترین صاحبان صنایع در کشور تقریباً هیچ اقدامی در استانداردسازی محیط‌های کار و فراهم آوردن حداقل‌های امکانات و تجهیزات ایمنی کار را هیچ موقع در دستور نداشته و تولید و تکنیک با همان استانداردهای ۵۰ سال پیش با خطرات به مراتب بیشتر و جدی‌تر ادامه دارد.

اما برگردیم به خبر. اینکه روزنامه حکومتی اعتراف می‌کند ۷۶ درصد همین کارگرانی که جانشان را از دست داده‌اند بیمه تأمین اجتماعی نداشتند، فقط اشاره به یک گوشه بسیار کوچک از فاجعه کشتار کارگران و اعتراف به نداشتن بیمه‌های اجتماعی است. ابعاد بی حقوقی و بی‌تأمینی و از جمله نداشتن بیمه‌های اجتماعی به نوبه خود یک فاجعه بسیار بزرگی است که زندگی میلیون‌ها کارگر شاغل با احتساب خانواده‌هایشان، جمعیتی بالای ۳۰ میلیون نفر را با مخاطرات جدی روبرو کرده است.

چندین نهاد حکومتی بارها اعلام کرده‌اند که بیش از ۸۰ درصد قراردادهای کار در ایران قراردادهای موقت، پیمانی، پروژه‌ای و فصلی اشتغال است که طبق ضوابط و قوانین کار حکومت، بیمه‌های تأمین اجتماعی که حکومت مدعی جاری شدنشان است، شامل حال این جمعیت میلیونی نمی‌شود.

از ۲۳ میلیون آمار حکومتی جمعیت شاغل در ایران طبق گزارشات وزارت کار و سازمان تأمین اجتماعی ۲۰ میلیون نفر قرارداد موقت دارند.

از امت واحده اسلامی تا "متوقف کردن" حضور نیروهای نیابتی!



نسان نودینیان

مقدمه: با تسلط ضدانقلاب اسلامی در ایران، خمینی در مخالفت با تشکیل کشور اسرائیل و طرفداری از فلسطینی‌ها و تشکیل دولت فلسطین درباره امت واحده اسلامی سخن گفته و سپس گفتمان امت واحده اسلامی به‌ویژه با آغاز جنگ هشت‌ساله ایران و عراق رواج پیدا می‌کند. با آغاز جنگ هشت‌ساله شعار راه قدس از کربلا می‌گذرد به شعار سیاسی رایج برای بسیج و سازماندهی مردم و شرکت در جنگ جا باز می‌کند و تا مدت‌های طولانی مثنی‌سیاست خارجی جمهوری اسلامی را تعیین می‌کرد. به‌ویژه اینکه با آزادی خرمشهر در سال ۱۳۶۱ اسرائیل به لبنان حمله کرد و بخش‌هایی از جنوب لبنان را به تصرف درآورد و صدام اعلام کرد که حاضر است دست از جنگ کشیده و با نیروهای اسرائیلی وارد جنگ شود! خمینی که با تصرف خرمشهر فکر می‌کرد کار صدام در مرحله شکست است، با شعار «راه قدس از کربلا می‌گذرد» با عنوان استراتژی پیشروی‌های نظامی جمهوری اسلامی تا نابودی صدام و سپس تسویه حساب با اسرائیل را در پیش گرفت. ماجرای نوشیدن جام زهر و شکست تحمیلی جنگ به خمینی موضوع این نوشته نیست. در این مقدمه برای آن دسته از خوانندگان اشاره‌ای کوتاه به مواضع خمینی را ضروری دانستم.

بیش از یک سال است، بحث نیروهای نیابتی "جبهه مقاومت" حکومت اسلامی در بخش‌هایی از مناطق خاورمیانه در سوریه، لبنان، عراق و یمن سوژه خبری و تحلیلی مفسرین در شبکه‌های مختلف شده است. کمتر روزی است که رسانه‌ها و دولت‌ها موضوع نیروهای نیابتی را پوشش ندهند. رصدکردن تحولات و مواضع خامنه‌ای و حکومت اسلامی، به دلیل حضور و افتوخیز و تحولات منطقه به شکل ادامه داری دیده می‌شود. همچنان که در مقدمه اشاره شد، با تسلط ضدانقلاب اسلامی در ایران، خمینی برای تسلط و ایجاد هژمونی اسلام سیاسی، گفتمان امت واحده اسلامی، یکی از سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی برای تعریف چرایی گسترش هژمونی اسلام سیاسی را در پیش گرفت.

با پایان جنگ هشت‌ساله ایران و عراق، تصرف کرکوک توسط صدام حسین، رویدادهای بحران نظامی. سیاسی جنگ خلیج، آرایش نیروها و دولت‌های منطقه به‌ویژه حکومت اسلامی ایران و دولت اسلامی طیب اردوغان در ترکیه وارد فاز جدیدی شد. با حمله ائتلاف آمریکا به کویت و شکست صدام حسین، سرنگونی حکومت بعث عراق در سال ۲۰۰۳. فضا برای رشد و فعال‌شدن اسلام سیاسی، و قبیله‌ای آماده شد. معلق شدن ثبات جامعه و میدانی دوایر اسلام سیاسی و قبیله‌های عشیرتی همراه با حضور میلیتاریسم آمریکا، جنگ و بمب و کشتن مردم عادی برای مدت‌ها زندگی شهروندان جامعه را در مخاطره جدی قرار داد. مردم عراق و اداره جامعه، نوع حکومت برای سالیان دراز معلق شده بود. گرسنگی، جنگ قبیله‌ای و تروریسم اسلامی همراه با میلیتاریسم، سرنوشت مردم در عراق را با خونریزی، انفجار بمب، تروریسم و رقابت‌های خونین مذهبی - عشیرتی و قومی رقم می‌زد. قربانیان این دوره بی‌شمارند، میلیونی هستند، کودکان و سالمندان بخش قابل‌توجهی از قربانیان فاجعه انسانی بودند که در سایه نظم نوین جهانی بوش پدر و حضور باندهای قبیله‌ای و اسلامی، ثبت شده است.

حکومت اسلامی ایران بر بستر معلق بودن جامعه، خلأ قدرت حکومتی و شرایط خونینی که با سقوط صدام حسین ایجاد شده بود با هدف تأمین حضور هژمونیک اسلام سیاسی، اسلامی کردن زندگی مردم و شیوه حاکمیت و الگوهای دادگاه‌های قضایی، تبعیض جنسی بر زنان و تبعیض

جنسیتی، ممانعت از دخالت مردم به‌ویژه جوانان و بخش‌های زیادی از نیروهای چپ و کمونیست و عناصر رادیکال در میان زنان و کارگران با در اختیار گذاشتن امکانات لجستیکی و مالی (میلیارددلاری) به کمک و قدرتمند کردن نیروهای اسلامی از جمله حزب الدعوه اسلامی که پس از سقوط حکومت بعث صدام در سال ۲۰۰۳، به یکی از احزاب سیاسی مدعی قدرت در عراق تبدیل شد، به‌طوری که حیدر العبادی و نوری المالکی و ابراهیم الجعفری سه نخست‌وزیر قبلی کشور عراق همگی از اعضای این حزب بوده‌اند. به‌قدرت‌رسیدن حزب الدعوه اسلامی و به‌ویژه در سه دوره ریاست نخست‌وزیری نوری المالکی، افزایش نیروهای وابسته به مقتدی صدر و قرارگرفتن او در ردیف احزاب اسلامی مدعی قدرت که سالیان طولانی تحت حمایت لجستیکی و مالی حکومت اسلامی در ایران و عراق قرار گرفته بود، میدان مانور و حضور فعال حکومت اسلامی را بیش از هر دوره‌ای فراهم و زمینه‌های حضور سپاه پاسداران و مقرر فرماندهی سپاه بدر و قدس ایجاد می‌شود. قبل از سقوط صدام (۲۰۰۳) خمینی و اندیشه‌های پان‌اسلامیستی او به حاشیه سیاست خارجی تنزل پیدا کرده بود. حکومت اسلامی و خمینی با نوشیدن جام زهر در سال ۱۳۶۴ و قبول قطعنامه ۵۹۸، مصوبه نهایی شورای امنیت سازمان ملل متحد برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق مدت چند سال مشغول مسائل داخلی بودند. پان‌اسلامیسم و شعار امت واحده اسلامی بایگانی شدند.

با به میدان آمدن نظم نوین جهانی و میدان‌داری اسلام سیاسی با تسلط نیروهای ائتلاف (امریکا و کشورهای اروپایی از جمله آلمان و...) دوره فعال‌شدن اسلام سیاسی و زمینه‌های دخالت فعال جمهوری اسلامی در عراق توسط سپاه قدس ایجاد می‌شود. قلمرو استقرار و فعال‌شدن سپاه قدس در سطح سراسری و به‌ویژه حضور فعال در ایجاد متابولیسم (ساختار) احزاب اسلامی، آرایش و نیروهای تشکیل‌دهنده "پارلمان" (ترکیب موزائیکی مذهبی - عشیرتی و قومی) در بغداد، در کردستان عراق حضور فعال نیروهای سپاه قدس و نیروهای تروریست اطلاعات حکومت اسلامی (توسط این نیروها صدها نفر از فعالین سیاسی، اعضای اپوزیسیون مخالف ج.ا.ت ترور شده‌اند)، زمینه‌های دخالت هژمونیک و به قول خامنه‌ای حضور راهبردی یا استراتژیک حکومت اسلامی ایران در عراق و سوریه را ایجاد می‌کند.

نیروهای نیابتی حکومت اسلامی در سوریه، عراق و لبنان و یمن، بر بستر معلق شدن سرنوشت مردم و بحران منطقه‌ای در عراق، ایجاد می‌شوند.

در سوریه با شروع انقلاب بهار عربی و شروع خیزش انقلابی مردم، مردم مبارز سوریه با انقلاب بهار عربی در سوریه همراه شدند. با بالاگرفتن تظاهرات مردم سوریه علیه بشار اسد، از سال ۲۰۱۱ نیروی قدس سپاه به حمایت از بشار اسد پرداخته و ایران در جنگ داخلی سوریه به طور قابل‌توجهی از دولت سوریه پشتیبانی کرده است، از جمله پشتیبانی لجستیکی، فنی، مالی و همچنین آموزش نظامی برخی از نیروهای دولت سوریه. طبق گزارش‌های سپاه قدس؛ جمهوری اسلامی ایران با جدیت در کنار بشار اسد ایستاد و مانع سقوط نظام بعثی بشار اسد شد. از سال ۲۰۱۱ تاکنون حکومت اسلامی دست کم سالانه بیش از ۶ میلیارد دلار هزینه نگهداشتن حکومت بشار و حفظ نیروهای نیابتی کرده است.

اهمیت استراتژیک سوریه به‌عنوان تنها متحد جدی و قابل اتکای ایران در منطقه و حتی در کل جامعه بین‌المللی تعریف و همواره سوریه به منزله یک راه ارتباطی امن دسترسی جمهوری اسلامی چه از لحاظ نظامی، پشتیبانی یا سیاسی به گروه‌های مورد حمایتش در حوزه پیرامونی اسرائیل به‌ویژه حزب الله لبنان، تعریف شده‌اند.

نیروهای نیابتی و سیر نزولی موقعیت راهبردی حکومت اسلامی

نیروهای نیابتی حکومت اسلامی در بیش

۷۶ درصد کارگران قربانی حوادث کار در سال گذشته، فاقد بیمه بودند!

از صفحه ۱۰

کارگران را متهم ردیف اول حوادث کار قلمداد کرده و با تهدید و زور وادار به سکوتشان کرده و تهدید به اخراجشان می کنند. کارگران بیکار شده از آنجاکه اکثرشان قرار داد موقت دارند، بیمه بیکاری شامل حالشان نمی شود. در نتیجه برای تأمین هزینه های زندگی شان ناچاراً دوباره اگر شانس بیاورند، با قراردادهای موقت دیگر و با حقوق های بسیار ناچیز از حتی حداقل حقوق موجود، مشغول به کار می شوند. شرایطی که امنیت جانی شان در محل های کار به دلیل عدم وجود امکانات و تجهیزات ایمنی کار، دوباره هر روز تهدید می شود. یک چرخه کشتار سازماندهی شده توسط دولت سرمایه داران علیه کارگران. هزاران کارگر در یک چنین وضعیتی مجبور به انجام کارهای سخت تر می شوند.

فاجعه قراردادهای موقت، خطرات و تهدیدات محیط های ناامن کار و کشتار کارگران، عدم شمولیت قوانین بیمه بیکاری برای میلیون ها کارگر،

نبود بیمه های درمانی در کنار خطر از دست دادن کار و اخراج و... جان و زندگی میلیون ها کارگر را هر روز تهدید می کند. حکومت دزدان و قاچاقچیان در کنار تحمیل این وضعیت فاجعه بار به زندگی کارگران، خودشان مشغول دزدی و جنایت و سرکوب مردم هستند. در برابر کشتار کارگران، بی تاملی و بی حقوقی محض باید قدرت اتحاد و مبارزه کل طبقه کارگر را به میدان آورد. برخورداری از محیط های امن کار، تحمیل خواست فراهم آوردن امکانات و تجهیزات ایمنی و بهداشت در محیط های کار، پرداخت بیمه بیکاری مکفی و برخورداری از بیمه های درمانی، پرداخت خسارت به کارگران حادثه دیده، از جمله خواست هایی هستند که باید کارگران با صدای بلند در اعتراضات جاری اعلام کرده و برای تحمیل این خواست ها به دولت و سرمایه داران، قدرت اعتراضات سراسری شان را به میدان بیاورند. چاره کار فقط و فقط مبارزه و اعتراض سراسری و نهایتاً به زیر کشیدن کل بساط حکومت دزدان و آدمکشان اسلامی سرمایه است.

۲۲ فوریه ۲۰۲۴

از امت واحده اسلامی تا "متوقف کردن" حضور نیروهای نیابتی!

از صفحه ۱۱

از بیست سال گذشته با پرداخت هزینه های صدها میلیارد دلاری (سوریه از سال ۲۰۱۱، سالانه بیش از ۶ میلیارد دلار) با اهداف راهبردی (استراتژیک) حضور هژمونیک حکومت اسلامی، در کشورهای لبنان (حزب الله)، سوریه، عراق، غزه و یمن تأسیس شده اند. در سوریه تسلط بر گذرگاه های مهم برای ارتباط با حزب الله لبنان، در عراق در همسایگی ایران به منظور نمایش اقتدار نظامی، حملات تروریستی و نظامی و ایجاد شبکه ای از حامیان اسلامی به منظور قرار گرفتن در دوایر حکومتی از نخست وزیری تا تسلط اسلامی ها در پارلمان عراق و مقابله با نیروهای آمریکا در عراق، مستقر شده اند.

از یک سال گذشته و به ویژه با شروع خیزش مردمی زن زندگی آزادی، و نارضایتی های مردمی علیه هزینه های میلیارد دلاری اهداف راهبردی، سپاه قدس به مرور در منگنه فشار اعتراضات قرار گرفته است و همچنین با شروع درگیری های غزه و حملات حماس در اکتبر ۲۰۲۳ حملات آمریکا و اسرائیل به مواضع نیروهای نیابتی شروع و تا کنون ده ها نفر از نیروهای حکومت اسلامی از فرماندهان سطح بالای سپاه قدس تا نیروهای نظامی سپاه به هلاکت رسیده اند. از یک سال گذشته عملاً حملات نظامی نیروهای نیابتی و نیروهای نظامی آمریکا وارد فاز جدید و گسترده ای شده است. با توجه به آمار کشتن زنجیره ای فرماندهان سپاه قدس بعد از ترور قاسم سلیمانی امروز دیگر بر کسی پوشیده نیست که به هلاکت رساندن زنجیره ای فرماندهان سپاه و نیروهای نیابتی در داخل ایران، سوریه و لبنان و عراق بیش از هر دوره ای ناگامی های حکومت اسلامی در این کشورها را آدرس کرده است.

با حمله موشکی ایران به اربیل در ۲۶ دی ماه ۱۴۰۲ رابطه یکی از متحدین حکومت اسلامی دولت عراق با جمهوری اسلامی وارد فاز جدیدی شده است و در ۲۲ فوریه ۲۰۲۴ وزیر خارجه عراق خواستار عذرخواهی ایران برای حمله به اربیل می شود و همچنین محمد شیاع السوداني، نخست وزیر عراق درباره حمله موشکی ایران به اربیل گفت: این اقدام مناسبات قوی میان ایران و عراق را تضعیف می کند و وزارت خارجه عراق اعلام می کند که تجاوز به حاکمیت عراق و امنیت ملت آن، اهانت به حسن همجواری و آسیب به امنیت منطقه است. همچنین احمد ابوالغیط، دبیرکل اتحادیه عرب، حمله ایران را به مناطقی در اربیل محکوم کرد و بر همبستگی کامل با دولت عراق تأکید کرد. بر خلاف مواضع چند سال گذشته دولت ها در عراق، سکوت و عدم مقابله و موضع گیری

حکومتی، این بار با حملات سپاه قدس به اربیل دولت عراق و سودانی سکوت نکردند و همراه با کار به دستان اقلیم کردستان در بیانیه ها شدیدالحن حمله به اربیل را محکوم کردند. مواضع تند و سریع اقلیم کردستان و دولت مرکزی علیه جمهوری اسلامی فاز جدیدی است و آغاز ناگامی ها و افول نیروهای نیابتی حکومت اسلامی ایران در سوریه و عراق است. در هر صورت کنش های سودانی از سوی بسیاری از رسانه ها و ناظران سیاسی در مسیر نزدیکی به آمریکا و اعراب تحلیل شده است. نمودهای بارز این امر را می توان در کنش هایی همچون حمایت از باقی ماندن نیروهای خارجی در عراق، صدور دستور ممانعت از قاچاق ارز به ایران و نزدیکی فزاینده بغداد به کشورهای عربی مشاهده کرد. رویترز ۲۹ بهمن در گزارشی اختصاصی به نقل از چند منابع ایرانی و عراقی نوشت گروه های عراقی پس از سفر اسماعیل قآنی، فرمانده نیروی قدس سپاه به بغداد و به درخواست جمهوری اسلامی، حملاتشان را به نیروهای آمریکا "متوقف کرده اند."

به باور من (نویسنده این مطلب) جمهوری اسلامی و سپاه قدس با اوج گیری اعتراضات مردمی و به ویژه خیزش مردمی زن زندگی آزادی، از اهداف راهبردی، هژمونی اسلام سیاسی و الگوهای حکومتی حکومت اسلامی ایران در عراق و سوریه فاصله گرفته است. به هلاکت رساندن زنجیره ای فرماندهان سپاه قدس، ادعاهای ضعیف و زبونانه خامنه ای در جنگ غزه، ناگامی بسیار عیان خامنه ای برای پیوستن کشورهای "متحد" در راستای تحریم اسرائیل، بی اعتنایی مردم به پیام های خامنه ای فاکتورهای مهمی در راستای ناگامی های حکومت اسلامی است که تا کنون با هزینه های میلیاردی قصد ماندن و اعمال هژمونی اسلام سیاسی را در نقشه خود داشته است. شروع افول سیاست های خارجی حکومت اسلامی و متلاشی شدن نیروهای نیابتی و از جمله متلاشی شدن ۱۶ گروه تروریستی از نیروهای نیابتی حکومت اسلامی، گامی جدی در راستای پیشروی مردم و تضعیف چشمگیر مانور و قدرت نظامی و تروریستی حکومت اسلامی خواهد بود.

نیروی «قدس» «سپاه پاسداران، حزب الله لبنان، حزب الله سوریه، سپاه بدر، گردان "ابوالفضل العباس"، گردان "فاطمیون"، گردان "زینبیون"، "ذوالفقار"، "گروه "عصائب اهل حق"، "سرایا السلام"، "سرایا الخراسانی"، "کتابت حزب الله"، "حزب الله عراق"، "کتابت امام علی"، "کتابت سیدالشهدا" و "حرکت النجباء. ۱۶ گروه مسلح اسلامی به نیابت از ایران در سوریه و عراق می جنگند.*

زن زندگی آزادی

کمپین یک‌ماهه جمع‌آوری صد هزار دلار کمک مالی!

به لطف کمک‌های شما مردم شریف و آزاده و تلاش شبانه‌روزی اعضا، فعالین و همراهان خود، حزب کمونیست کارگری توانسته است فعالیت‌های گسترده‌ای در همه عرصه‌های مبارزه در داخل و خارج کشور را بر علیه جمهوری اسلامی، برای آزادی و برابری و در دفاع و ادامه انقلاب زن زندگی آزادی به پیش برد.

حزب ما سال‌هاست که در عرصه‌های مختلف از حقوق کودک تا مبارزه علیه حجاب و گسترش جنبش آزادی زن، از دفاع از حقوق پناهندگان تا مبارزه برای متوقف کردن اعدام‌ها و لغو مجازات اعدام، از فعالیت برای آزادی زندانیان سیاسی و تلاش برای متحد کردن کارگران، معلمان، بازنشستگان، دادخواهان، پرستاران، دانشجویان تا دفاع از حقوق ال جی بی تی کیو پلاس‌ها و حفظ محیط زیست، از سازماندهی تظاهرات در خارج کشور تا مبارزه علیه اسلام سیاسی و برای بایکوت سیاسی و اخراج جمهوری اسلامی از نهادهای بین‌المللی فعالانه تلاش می‌کند. اکنون طبق سنت چند سال اخیر، موعد آن فرارسیده تا برای ادامه و گسترش فعالیت‌های خود، از جمله اداره تلویزیون کانال جدید که ۲۴ ساعته از سه ماهواره پخش می‌شود، شما را به حمایت مالی از حزب کمونیست کارگری دعوت کنیم. ما امیدواریم که بتوانیم طی یک ماه از ۲۰ فوریه تا ۲۰ مارس (۱ اسفند تا ۱ فروردین) دستکم مبلغ صد هزار دلار جمع‌آوری کنیم. سال گذشته کمپین مالی سالانه ما به لطف حمایت شما موفق به جمع‌آوری بیش از ۱۳۰ هزار دلار شد. امیدواریم امسال از این مبلغ فراتر برویم.

طبق معمول آمار و ارقام این کمپین برای اطلاع عموم منتشر خواهد شد.

پیشاپیش دست همه عزیزانی که با کمک‌های خود به ادامه و گسترش فعالیتی وسیع برای متحد کردن صفوف مردم و سرنگونی جمهوری اسلامی و تحقق جامعه انسانی در ایران یاری می‌رسانند را به گرمی می‌فشاریم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱ اسفند ۱۴۰۲، ۲۰ فوریه ۲۰۲۴

برای پرداخت کمک‌های خود می‌توانید از طریق شماره حساب‌های زیر و یا از طریق تماس با تشکیلات‌های حزب اقدام نمایید:

شماره حساب‌ها و تلفن‌های تماس:

سوئد:

Sweden

NordeaPlusgirokonto: 4122379-3

Bankkontonummer: 9960264 1223793

IBAN: SE1095000099602641223793

BIC: NDENSESS

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

Bank: NatWest

Account holder: WPI

Account number: 45477981

Sort code: 60-24-23

IBAN: GB77NWBK60242345477981

BIC: NWBKGB2L

سوآلی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج: سیامک بهاری ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از آمریکای شمالی: بابک یزدی ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

تماس از ایران

شهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

کیوان جاوید: ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

کنفرانس امنیتی مونیخ ۶۰ ساله شد؛ اما امنیتی ایجاد نکرد!



ناصر کشکولی

عمل نیامد؛ چون این حکومت در دنیا این قدر بی آبرو است که هیچ دولتی نمی‌خواهد نه نمایندگان حکومت اسلامی در کنارش باشد و نه اصلاح‌طلبان حکومت. حکومتی که جنبش زن زندگی آزادی او را به خاک سیاه نشانده و زنان ایران کل عمارت اسلام را در منطقه فعلاً با بی‌حجابی به لرزه انداخته‌اند. خوشبختانه تظاهرات گسترده مردم علیه حکومت اسلامی و انقلاب زن زندگی ازای در یک سال اخیر تا دروازه‌های کنفرانس مونیخ پیشروی کرده است. حضور فعال کوثر افتخاری‌راد، یکی از زنان پرشوری که توسط سپاه اسلام در انقلاب زنانه چشمش را از دست داده بود در این کنفرانس بسیار مؤثر و قابل‌ستایش بود. همچنین اعتراض ایرانیان آزادی‌خواه همراه با جوانان اروپا در مقابل محل برگزاری کنفرانس جواب کوبنده‌ای به برگزارکنندگان کنفرانس بود. حزب کمونیست کارگری ایران از مبارزه معترضین پشتیبانی می‌کند و دست همه آن‌ها را به گرمی می‌فشارد. بی‌شک اعتراضات شما می‌تواند گام مؤثری در بایکوت جهانی حکومت اسلامی باشد.

در انتها ما نیز همراه سایر معترضین خطاب به برگزارکنندگان این کنفرانس می‌گوییم: بساطتان را جمع کنید و بگذارید انسان‌های شریف و تولیدکنندگان واقعی ثروت جامعه سکان هدایت جوامع را به دست بگیرند! تنها آن‌ها هستند که می‌توانند دنیای عاری از بی‌حقوقی و جنگ و آوارگی را بسازند. آنوقت دنیا به همچون کنفرانس‌هایی ابداً احتیاج نخواهد داشت و تاریخ انسانیت با شادی و رفاه و آزادی تازه و از ابتدا شروع خواهد شد.
۲۲ فوریه ۲۰۲۴

کنفرانس مونیخ از ۱۶ فوریه به مدت ۳ روز بکار خود پایان داد. در حقیقت کنفرانس مونیخ را می‌توان نامن کردن جهان نام‌گذاری کرد. زیرا یک‌مشت از سران دیکتاتورهای پارلمان‌تاریست تا نمایندگان کشورهای دیکتاتوری هرساله جمع می‌شوند و جنگ و بیکاری و گرانی را

برای دنیای ما تدارک می‌بینند.

اما با وجود این حکومت اسلامی ایران حامی جریان تروریستی حماس قربانی شد و به این کنفرانس دعوت نشد.

کنفرانس امنیتی مونیخ سالانه شاهد اعتراضات کوبنده مردم معترض است. تعرض سالانه به حق مردم علیه این کنفرانس از سرتاسر اروپا یکی از قدم‌های مهمی است که می‌تواند سران دولت‌های غرب را زیر فشار بگذارد تا به جنگ‌طلبی و آواره ساختن انسان‌ها پایان دهند. سران کنفرانس مونیخ خودشان آتش بیارمعرکه هستند، برای بزرگ کردن حمله وحشیانه حماس در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ و کوچک کردن و نادیده گرفتن حملات اسرائیل به غزه و کشته شدن بیش از ۲۹ هزار نفر (مجازات جمعی) بسیار ماهر هستند؛ ولی برای قرارداد سپاه پاسداران اسلامی در لیست تروریست‌های دولتی زانانشان الکن و گوششان کر است. در دفاع از جنگ ارتجاعی بین دولت راست‌گرای اسرائیل و تروریست‌های اسلامی حماس از همدیگر سبقت می‌گیرند و در کمک تسلیحاتی به دولت اوکراین مسابقه می‌دهند. خوشبختانه از نمایندگان حکومت اسلامی به کنفرانس دعوت به



قتل عام مردم غزه را شدیداً محکوم می کنیم

علی‌رغم تظاهراتهای گسترده در دفاع از فلسطینیان، اکثر دولت‌ها اقدامی برای مقابله با جنایات دولت اسرائیل انجام نمی‌دهند. برعکس دولت‌های غربی و آمریکا علی‌رغم برخی مخالفت‌ها با تاکتیک‌های نظامی اسرائیل اساساً حامی آن هستند و با قطع جنگ مخالفت می‌کنند.

موقعیت تبعیض آمیز و بی حقوقی مطلق که به مردم فلسطین تحمیل شده لکه ننگی بر دامان بشریت و زخم چرکینی بر جامعه بشری است و جریان‌های ضدانسانی و فاشیستی در خلل و فرج این زخم کهنه و تاریخی زیست می‌کنند و آن را هر روز عمیق‌تر می‌کنند. فاشیسم اسلامی و فاشیسم یهودی حیات و بقای خود را مدیون تفرقه و تخصم هرچه بیشتر میان مردم اسرائیل و فلسطین هستند و اینها یکدیگر را تغذیه می‌کنند و به یکدیگر نیاز دارند. این دونیرو با نابودسازی و مرگ و جنایت زنده‌اند. حتی در گزارش‌ها به شواهد زیادی اشاره شده است که دلالت بر این دارد که دولت نتانیاهو از قبل از نقشه حماس به اسرائیل مطلع بود و علی‌رغم اینکه تحرکات حماس برای آماده‌سازی برای حمله ۷ اکتبر جلوی چشم آنها بود، تلاشی برای مقابله با آن نکرد تا بتواند مجوزی برای سیاست پاک‌سازی و کشتار کنونی در دست داشته باشد.

حزب کمونیست کارگری جنایات دولت و ارتش اسرائیل علیه مردم فلسطین را شدیداً محکوم می‌کند. ما همه مردم دنیا را به مخالفت و ابراز انزجار از جنایات دولت اسرائیل و همچنین جنایات حماس و جریان‌های اسلامی فرامی‌خوانیم. با تظاهرات و تجمع و بیانیه‌های اعتراضی و فراخوان‌ها و به هر شکل ممکن علیه این نیروها و

همچنین حامیان آدمکش آنها نظیر جمهوری اسلامی ایران باید به میدان آمد و در برابر جنایات آنها دست به اقدام زد. باید سازمان ملل و دولت‌های مختلف را برای مقابله با جنایات دولت اسرائیل و کل جریان‌های تروریست اسلامی و تروریسم یهودی وسیعاً و قاطعانه زیر فشار قرار داد. در رابطه با ادامه حملات به غزه توسط ارتش اسرائیل و جنایاتی که هر روز دارد شمار بیشتری از مردم این منطقه را قربانی می‌گیرد و برای پایان دادن فوری به این جنگ، باید وسیعاً و همه‌جا دست‌به‌کار شد. باید از حق بی‌چون و چرای مردم فلسطین برای برخورداری از سرزمین و دولت مستقل خود دفاع کرد. از نظر ما ایجاد دو دولت فلسطینی و اسرائیلی راه واقعی پایان دادن به فاجعه فلسطین است و باید تلاش کرد که این راه هرچه زودتر عملی شود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ بهمن ۱۴۰۲، ۱۸ فوریه ۲۰۲۴

آنچه در غزه می‌گذرد جنگ نیست. قتل عام است. پاک‌سازی قومی است. جنایتی فجیع علیه بشریت است. چهار ماه است یک ارتش تا دندان مسلح به مردمی سیویل و غیرمسلح که در محدوده کوچکی محصور و زندانی شده‌اند با بمب و موشک و توپ و تانک دارد حمله می‌کند و هر روز شمار بسیاری را به قتل می‌رساند.

ارتش اسرائیل آشکارا با هدف نابودسازی عمومی حمله می‌کند. به قصد کشت به مردم، به خانه‌ها، به بیمارستان‌ها، و به مناطق مسکونی حمله می‌کند. حتی شواهد تکان‌دهنده متعددی از شلیک مستقیم به کودکان خردسال گزارش شده است. این جنایات با توجه به مدیای اجتماعی، دارد در برابر چشم مردم دنیا صورت می‌گیرد. حتی برخی افراد ارتش اسرائیل با گستاخی کلیپ‌هایی از جنایات فجیع خود علیه فلسطینیان را در رسانه‌های اجتماعی به نمایش می‌گذارند. گزارشاتی منتشر شده است از اینکه تازه‌ترین سلاح‌های ساخت آمریکا و غرب برای تست میزان کشندگی آنها برای اول بار علیه ساکنین غزه به کار گرفته شده است. در خود اسرائیل از جانب نیروهای دست راستی اسرائیلی آفیش‌هایی وسیعاً منتشر شده که در اشاره به فلسطینیان روی آنها نوشته شده است

"کلیک همه را بکنید!" و دولت نتانیاهو دارد دقیقاً به همین روال عمل می‌کند.

شمار قربانیان این جنایات تا کنون نزدیک به ۳۰ هزار کشته و ده‌ها هزار زخمی و آوارگی میلیونی بوده است. آوارگان نیز جایی برای فرار جز در همان محدوده کوچک غزه ندارند. بیش از یک میلیون و پانصد هزار نفر به شهرک جنوبی رفح فرار کرده‌اند. اما اکنون

دولت اسرائیل نقشه حمله زمینی وسیع به این شهرک را نیز در دستور دارد که نتیجه آن می‌تواند فجایعی بسیار وسیع‌تر و تکان‌دهنده‌تر باشد.

فلسطینیان ساکن غزه دارند تاوان جنایات گروه اسلامی حماس را که بر آنها حکومت می‌کند، با خون و زندگی خود می‌پردازند. در حمله ۷ اکتبر حماس به اسرائیل بنا به آمار ۱۲۰۰ نفر از زن و مرد و کودک اسرائیلی و حشیانه به قتل رسیدند، و نزدیک به ۳۰۰ نفر نیز از جمله شماری از کودکان و افراد سالمند، به گروگان گرفته شدند.

دولت دست راستی اسرائیل جنایت حماس را دارد با جنایاتی بسیار گسترده‌تر و فجیع‌تر علیه مردم محرومی که هیچ ربطی به این جنایت ندارند، پاسخ می‌دهد. ساکنین غزه محروم‌ترین مردم دنیا هستند. از هیچ سرزمین و حق و حقوقی برخوردار نیستند. اکنون دولت اسرائیل می‌خواهد از همان محدوده کوچک و سرزمین محصور شده و تحت کنترل نیز آنها را بیرون براند و با کشتار و پاک‌سازی و کشتار، این مردم را یا به زیر سیطره نیروهای متخاصم اسرائیلی درآورد یا ناچار به فرار به بیغوله‌هایی دیگر نماید.



سایر اطلاعیه‌های هفته اخیر

یاد سیامک ستوده عزیز گرامی باد



باخبر شدیم که متأسفانه سیامک ستوده عزیز، مبارز کمونیست و شریفی که سراسر زندگی‌اش مبارزه علیه حکومت‌های شاه و جمهوری اسلامی بود، در روز جمعه ۱۶ فوریه در شهر تورنتوی کانادا درگذشت.

سیامک ستوده سال‌ها به جرم فعالیت سیاسی در زمان شاه زندانی و شکنجه شد و پس از آزادی نیز تا زمان درگذشتش به مبارزه علیه جمهوری اسلامی و مذهب و اسلام و علیه ناسیونالیسم نوشت و در برنامه‌های تلویزیونی مختلفی نیز حول اهداف آزادی‌خواهانه‌اش آگاه‌گری می‌کرد. انتشار نشریه روشنگر نیز یکی از فعالیت‌های او بود که با همکاری تعدادی از فعالین کمونیست منتشر می‌شد.

درگذشت این انسان شریف و این مبارز قدیمی را صمیمانه به خانواده و یاران و هم‌زمانش تسلیت می‌گوییم و یادش را گرامی می‌داریم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ فوریه ۲۰۲۴

اعتراضات در مترو، لیدوم آذرستان جاسک،
بازنشستگان مخابرات

امروز ۳۰ بهمن کارگران شرکت بهره‌برداری مترو تهران در اعتراض به عدم پاسخگویی به مطالبات دست به تجمع زدند. کارگران شعار می‌دادند: "کارگر می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد".

در این روز همچنین کارگران شرکت "لیدوم آذرستان رژون صنعت" در جاسک به دلیل عدم پرداخت سهمیه دستمزد خود برای پنجمین روز متوالی مقابل درب اصلی شرکت دست به تجمع زدند. اعتراض این کارگران از روز پنجشنبه آغاز شده است. کارگران می‌گویند دیگر حاضر نیستند با دستمزدهای سطح نازل و تعویق در پرداخت آن و فشار معیشتی سنگینی که بر آنها وارد شود کار کنند. در این شرکت ۵۰۰ کارگر به کار اشتغال دارند و اعلام کرده‌اند تا طلب‌های آنها پرداخت نشود و به مطالباتشان پاسخ داده نشود حاضر به کار کردن نیستند.

امروز تجمعات وسیع و سراسری بازنشستگان مخابرات در اعتراض به وضع بد معیشتی و عدم پاسخگویی به مطالباتشان در شهرهای مختلف جریان یافت. بر اساس گزارشات تکمیلی در این روز بازنشستگان مخابرات در بیست شهر اهواز، اصفهان، اردبیل، سنندج، مریوان، قروه، اراک، تبریز، کرمانشاه، رشت، شیراز، ارومیه، تهران، همدان، ساری، بندرعباس، خرم‌آباد، زنجان، بروجرد و سقز تجمع کردند و در برخی شهرها راهپیمایی داشتند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۰ بهمن ۱۴۰۲، ۱۹ فوریه ۲۰۲۴

۲۹ بهمن: تجمعات بازنشستگان تأمین اجتماعی و

فولاد و اخبار اعتراضی دیگر

نه تهدید، نه زندان، نه اعدام، نیست جلودار ما

امروز ۲۹ بهمن بازنشستگان تأمین اجتماعی همچون یکشنبه‌های قبل در اعتراض به مشکلات معیشتی و برای پیگیری مطالباتشان در شهرهای مختلف تجمع کردند. این تجمعات در شهرهایی چون شوش، اهواز، کرمانشاه و اراک برگزار شدند. در شوش بازنشستگان از شهرهای کرخه، هفت‌تپه و شوش گردآمده و با شعارهای اعتراضی خود دست به راهپیمایی زدند. بازنشستگان شعار می‌دادند: "تورم اسفبار حاکم شده بر بازار"، "حقوق نصفه‌نیمه، سکوت کنی همینه"، "تامینو غارت کردند ما را بیچاره کردند"، و "بازنشسته داد بزن، حقتو فریاد بزن".

در کرمانشاه یکی از بازنشستگان پیرامون فساد و رانت بالایی‌ها و عواقب آن همچون فقر، بیکاری، اعتیاد و سایر معضلات اجتماعی سخنرانی داشت و سخنان او با کفزدن جمعیت روبرو شد. در این تجمع شعری خوانده شد که اعتراض به فقر و تبعیض بود و در آن به اینکه دزدان دانه‌درشت حکومت می‌کنند؛ اما برای یک دزدی ساده دست سارق را قطع می‌کنند، و همچنین به دره میان فقر و ثروت و فساد اشاره شده بود. در این تجمع بازنشستگان از جمله شعار می‌دادند: "بازنشسته داد بزن، حقتو فریاد بزن"، "فقط کف خیابان به دست میاد حق ما"، "بازنشسته بیدار است، از تبعیض بیزار است"، و "دولت فرمایشی/حقوق فرسایشی".

بازنشستگان تأمین اجتماعی در اهواز مقابل درب استانداری در اهواز تجمع داشتند و با راهپیمایی و فریاد شعارهایشان خیابان را به صحنه اعتراض پر شور خود تبدیل کردند. از جمله شعارهای بازنشستگان که عمق خشم و اعتراض آنها را بیان می‌کرد عبارت بود از: "می‌جنگیم، می‌میریم، حقمون را می‌گیریم"، "رئیس‌ی دروغگو حاصل وعده‌هاست کو"، "کشور پردرآمد چه بر سر تو آمد"، "نه تهدید، نه زندان، نه اعدام، نیست جلودار ما"، "فقر و فساد همین‌جاست، آقازاده آمریکاست"، "پیام ما به دولت، خجالت، خجالت"، "بازنشسته می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد"، "حقوق بازنشسته فقط برای یک هفته"، "مجلس انتصابی، گندزده حسابی"، "از بس دروغ شنیدیم ما دیگه رأی نمیدیم"، "حاصل کار دولت، غارت جیب ملت"، "رئیس‌ی دروغگو حاصل وعده‌هاست کو".

هم‌زمان با بازنشستگان تأمین اجتماعی، بازنشستگان فولاد نیز در این روز مثل هفته‌های گذشته در شهرهای اهواز، تجمع داشتند. بازنشستگان شعار می‌دادند: فولادی داد بزن حقتو فریاد بزن.

در این روز همچنین جمعی از کارگران یک شرکت شکلات‌سازی تبریز در اعتراض به ساعت طولانی کار روزانه و دریافتی ماهانه اندک خود دست به تجمع زدند. به گفته کارگران از شنبه تا پنجشنبه روزانه ۱۱ ساعت کار می‌کنند که سه ساعت آن اضافه‌کاری اجباری است و با این میزان کار، اگر به بهانه‌ای جریمه نشوند، مزد ماهانه آنها ۹ تا ۹ و نیم میلیون تومان است که به هیچ‌وجه مخارج زندگی آنها را کفاف نمی‌دهد. با این حجم سنگین کار فقط کارگرانی که خیلی نیازمند هستند، در این کار باقی می‌مانند. خیلی‌ها می‌آیند و یک ماه نشده از این شرکت می‌روند. افزایش حقوقها یک مطالبه سراسری کارگری است.

تجمع اعتراضی دیگر در این روز از سوی کارگران شهرداری ایلام در اعتراض به تعویق پرداخت چهار ماه مزد و حق بیمه در مقابل درب استانداری ایلام برپا شد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ بهمن ۱۴۰۲، ۱۸ فوریه ۲۰۲۴

تجمعات سراسری بازنشستگان مخابرات

تا حصول نتیجه دوشنبه‌ها می‌آییم

حزب کمونیست کارگری ایران

۱ اسفند ۱۴۰۲، ۲۰ فوریه ۲۰۲۴

تجمع مشترک بازنشستگان در اهواز و کرمانشاه
و اخبار اعتراضی دیگر

امروز سه‌شنبه اول اسفندماه بازنشستگان کشوری از جمله معلمان بازنشسته در اعتراض به فقر و بی‌تامینی و برای پیگیری مطالبات خود در کرمانشاه و اهواز مقابل صندوق بازنشستگی دست به تجمع زدند.

در اهواز بازنشستگان کشوری و تأمین اجتماعی تجمع مشترک داشتند. هم‌زمان خانواده‌های ساکن کوی غدیر - کیان‌شهر این شهر در اعتراض به نبود امکانات رفاهی اولیه زندگی مانند آب، برق، گاز و سیستم دفع فاضلاب در این تجمع شرکت کردند. تجمع‌کنندگان شعار می‌دادند: "اتحاد اتحاد، علیه ظلم و فساد"، "از بس دروغ شنیدیم، ما دیگه رای نمیدیم"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "معیشت، منزلت، سلامت، درمان رایگان، حق مسلم ماست"، "خدمات رفاهی حق مسلم ماست"، "رئیس‌ی دروغگو، دولت عدالت کو؟! " دولت سرسپرده، گرونی رو آورده"، "حاصل کار دولت غارت جیب ملت"، "دشمن ما همین‌جاست، دروغ میگن آمریکاست"، "آموزش رایگان، حق مسلم ماست"، "کشور غارت کردند ما را بیچاره کردند"، "تا حق خود نگیریم/از پا نمی‌نشینیم".

در کرمانشاه شاهد تجمع مشترک بازنشستگان کشوری، بازنشستگان تأمین اجتماعی و مخابرات بودیم که دست در دست هم اعتراض کردند و شعار دادند. تجمعات مشترک بخش‌های مختلف بازنشستگان گام مهمی به سوی اتحاد صف ۲۵ میلیونی آنها علیه فقر و فساد و بی‌تامینی است. در کرمانشاه بازنشستگان با شعارهای "کارگر زندانی / آزاد باید گردد"، و "معلم زندانی / آزاد باید گردد"، صدای اعتراض خود را علیه سرکوب‌ها بلند کردند. اجرای همسان‌سازی و افزایش حقوقها به بالای خط فقر سی میلیونی و متناسب با نرخ تورم ۴۵ درصدی، درمان رایگان، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی معلمان زندانی و زندانیان سیاسی، پایان دادن به اختلاس‌ها و دزدی‌ها از جمله مطالبات فوری بخش‌های مختلف بازنشستگان است. خواست‌های مشترکی اعتراضات بازنشستگان را به هم پیوند می‌دهد. بازنشستگان صدای اعتراض همه مردم هستند. خواست‌های آنها مطالبات سراسری همه مردم است. از مبارزات بازنشستگان وسیعاً حمایت کنیم.

خبر دیگر تأیید حکم اخراج سارا سپاهپور از معلمان معترض تهران و البرز است. پیش‌تر دادگاه انقلاب تهران حکم ۵ سال زندان تعزیری را برای این معلم صادر کرده بود. هم اکنون کارزاری بزرگ علیه سرکوبگری‌های حکومت و علیه امنیتی کردن مبارزات با خواست آزادی فوری همه معلمان زندانی و بسته‌شدن پرونده‌های امنیتی برای معلمان معترض در جریان است. از این کارزار وسیعاً حمایت کنیم.

- آخرین خبر اینکه امروز یکم اسفندماه شماری از مردم شهر زابل در اعتراض به صدور قبضه‌های نجومی برق در مقابل اداره برق تجمع کردند.

- امروز یکم اسفند مردم در اراک برای هفتمین بار در اعتراض به مازوت‌سوزی نیروگاه شازند و هوای کشنده و مسموم شهر دست به راهپیمایی زدند. مردم شعار می‌دادند: "مازوت‌سوزی جنایت، سکوت کردن خیانت".

حزب کمونیست کارگری ایران

۱ اسفند ۱۴۰۲، ۲۰ فوریه ۲۰۲۴

اتحاد اتحاد

علیه فقر و فساد

امروز نیز شاهد یک تجمع دیگر بازنشستگان مخابرات بودیم که بیش از یک سال است منظم‌اً هر دوشنبه دست به تجمع و اعتراض می‌زنند و بر خواست‌های خود پافشاری می‌کنند. اما هنوز پاسخی نگرفته‌اند. امروز ۳۰ بهمن در شهرهای اهواز، اراک، سنندج، تبریز، اردبیل، مریوان و رشت این بخش از بازنشستگان مطابق دوشنبه‌های هر هفته برای پیگیری مطالباتشان تجمع کردند، شعار دادند و با فریاد و سخنرانی به وضعیت ناهنجار معیشتی‌شان اعتراض کردند. در تهران بازنشستگان به دنبال تجمع در مقابل شرکت مخابرات، در خیابان‌های اطراف راهپیمایی کردند و شعار دادند و توجه زیادی به آنها جلب شده بود.

از جمله شعارهای بازنشستگان مخابرات در تجمعات این روز عبارت بودند از "مطالبات پزشکی حق مسلم ماست"، "سهام‌دار ظالم حق ماها را خورده"، "نه گرما، نه سرما، نیست جلودار ما"، و "سهام‌دار خیانت می‌کند، وزیر حمایت می‌کند".

گفتی است که نهاد مافیائی و چپاولگری که در رأس آن خامنه‌ای قرار دارد بنام "ستاد اجرائی فرمان امام" سهام‌دار اصلی شرکت مخابرات است.

سطح نازل حقوقها و فقر و بی‌تامینی، عدم اجرای آیین‌نامه سال ۱۳۸۹ که می‌تواند اندک بهبودی در وضع بازنشستگان ایجاد کند و بساط دزدسالار حاکم موضوعات اعتراض این بازنشستگان است. همسان‌سازی حقوقها و افزایش آن به بالای خط فقر سی میلیونی، درمان رایگان، پایان دادن به اختلاس‌ها و دزدی‌ها خواست‌های مشترک بازنشستگان است که بارها آنها را در بیانیه و قطعنامه‌ها و در فریاد شعارهای اعتراضی‌شان اعلام داشته‌اند.

بازنشستگان فریاد اعتراض کل جامعه هستند. از خواست‌ها و اعتراضاتشان وسیعاً حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۰ بهمن ۱۴۰۲، ۱۹ فوریه ۲۰۲۴

اعتصاب تمامی کارگران فولاد اهواز
در پاسخ به اخراج کارگران معترض

امروز سه‌شنبه اول اسفندماه کارگران تمامی بخش‌های گروه ملی صنعتی فولاد ایران - اهواز، به طور یکپارچه دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب در تقابل با دستور مدیریت مبنی بر اخراج شماری از کارگران معترض به جریان افتاده است. بنا بر خبر منتشر شده از سوی صدی مستقل کارگران گروه ملی فولاد اهواز در چند روز گذشته و به دنبال اعتراضات کارگران به نحوه اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، تعدادی از کارگران به دستور مدیرعامل و مدیر حراست شرکت، ممنوع‌الورود و دستور اخراج آنها صادر شده است. کارگران اخراجی نیز از روز ۳۰ بهمن با برپایی چادر، مقابل ورودی شرکت تحصن کرده‌اند. کارگران اعتصابی با تجمع، راهپیمایی و فریاد شعارهای "نه تهدید نه زندان دیگر اثر ندارد" پاسخ محکمی به سرکوبگری باند مافیائی شرکت در همدستی با مقامات حکومت دادند و بر پیگیری مطالبات خود تأکید کردند. کارگران اعلام کردند که تا بازگشت به کار تمامی کارگران اخراجی به اعتصاب خود ادامه می‌دهند.

حرکت متحدانه کارگران فولاد اهواز بسیار مهم و آموزنده است و الگوی مؤثر و مهمی برای پس‌زدن تعرضات کارفرمایان و حکومت است. مجتمع فولاد اهواز یک کانون داغ اعتراض و یک الگوی برجسته اتحاد علیه سرکوبگری‌های حکومت است. اعتراضات این کارگران تأثیر مستقیمی بر فضای شهر اهواز دارد. یک نقطه قدرت این کارگران اتکا به مجمع عمومی و تصمیم‌گیری جمعی و اطلاع‌رسانی بموقع به جامعه است. از کارگران فولاد اهواز وسیعاً حمایت کنیم.

دومین روز اعتصاب تمامی کارگران فولاد اهواز در پاسخ به اخراج کارگران معترض و برای پیگیری مطالباتشان

امروز چهارشنبه دوم اسفندماه دومین روز اعتصاب تمامی بخش‌های گروه ملی فولاد ایران در اهواز در این هفته بود. بنا بر گزارش صدای مستقل گروه ملی فولاد این اعتصاب در اعتراض به تعلیق از کار شماری از کارگران معترض و نیز در اعتراض به اجرای ناقص طرح طبقه‌بندی مشاغل، سرگرفت و کارگران با فریاد "کارگر می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد" از محوطه شرکت تا میدان بقایای واقع در ابتدای جاده خرمشهر راهپیمایی کردند.

کانال خبری صدای مستقل گروه ملی فولاد همچنین گزارشی از بازتاب جهانی اعتراضات کارگران فولاد از جمله گزارش منتشر شده در بخش انترناسیونال (بین‌الملل) از اتحادیه سندیکای سولیدر (همبستگی) فرانسه؛ دارای بیش از صد اتحادیه و سندیکای کارگری از اروپا و آسیا خبر می‌دهد که در بخشی از این گزارش چنین آمده است: "کارگران طی سه دوره اعتصاب قدرتمند و منسجم در ماه‌های نوامبر، ژانویه و فوریه سال جاری، با اتکا به مجمع عمومی کارگران، یکی از اصلی‌ترین و پیشروترین کانون‌های مبارزه طبقاتی در ایران بودند. کارگران معترض در اقدامی متحدانه و جسورانه مدیرعامل مافیایی شرکت را که علاوه بر عدم انجام تعهدات، با همکاری فرمانداری و تیم حراست حکم به تعلیق کارگران داده بود با زور از شرکت بیرون انداخته و کنترل ورود و خروج کارخانه را به طور کامل در دست گرفتند." در ادامه این گزارش آمده است: "خلف وعده کارفرما یعنی مدیریت بانک ملی در انجام تعهدات، خشم کارگران معترض را چنان برانگیخت که بنا بر تصمیم جمعی با رأی اکثریت کارگران مانند اعتصاب‌های سال ۲۰۱۷ و ۲۰۱۹ اعتراض را به تمام خیابان‌های اهواز کشاندند. حمایت گسترده مردم اهواز از اعتراض خیابانی کارگران و همدلی وسیع در دیگر مراکز صنعتی در سراسر ایران منجر به عقب‌نشینی در مقابل قسمتی از مطالبات کارگران شد؛ اما پرونده‌سازی امنیتی رژیم ایران با هدف پیشگیری از تسری اعتراضات فولاد به صنایع دیگر رخ داده است. این کارگران نسبت به پایین‌بودن سطح دستمزد و همچنین تبدیل وضعیت شغلی هزار نفر از کارگران شرکت پیمانکاری شفق راهیان به حالت قراردادی، معترض‌اند و در این بین، فشارها و تهدیدهای امنیتی علیه آنها خطری جدی است و مؤیدی بر لزوم حمایت گسترده طبقاتی در سطح ملی و بین‌المللی از هر کارگر معترض در ایران است. کارگرانی که حق تشکیل‌یابی مستقل و حق بدیهی و قانونی سازماندهی اعتراض و اعتصاب را ندارند..."

بازتاب جهانی اعتراضات کارگران گروه ملی فولاد اهواز بخش دیگری از پیشروی‌های مبارزاتی این کارگران و جنبش کارگری در ایران است. اتکا به مجمع عمومی و تصمیم‌گیری جمعی قدرت بخش مبارزات متحدانه کارگران گروه ملی فولاد اهواز بوده و نقش و جایگاه مجمع عمومی به‌عنوان مکاتبی برای سازمان‌یابی متحدانه اعتراض و شورایی عمل کردن را به نمایش می‌گذارد. از درس‌های این مبارزات باید آموخت. حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت قاطع از مبارزات کارگران گروه ملی فولاد اهواز، مردم این شهر و همه تشکلهای کارگری را به حمایت همه‌جانبه از این سنگر مهم جنبش کارگری فرا می‌خواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲ اسفند ۱۴۰۲، ۲۱ فوریه ۲۰۲۴

سومین روز اعتصاب در فولاد اهواز، دستگیری ناهید خداجو از فعالین کارگری

امروز سوم اسفند اعتصاب کارگران گروه ملی فولاد ایران در اهواز وارد سومین روز خود شد. اعتراض آنان به تعلیق شماری از کارگران معترض و

ممنوع‌الورود کردن آنها، و عملی‌نشدن خواست‌هایشان از جمله اجرای ناقص طرح طبقه‌بندی مشاغل است.

طبق اخبار منتشر شده از سوی صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد روز گذشته تعداد دیگری از کارگران این شرکت نیز ممنوع‌الورود شدند و این موجب خشم بیشتر کارگران شده است. در روز گذشته دوم اسفند کارگران این مجتمع به نشانه همبستگی با دادن شعار به همکاران تعلیقی که در مقابل شرکت چادر زده و متحصن شده‌اند، پیوستند.

کارگران طبق معمول مجمع عمومی خود را برگزار کردند و در این مجمع یکی از کارگران در همبستگی با کارگران اخراجی و مطالبات کارگران سخنرانی پرشوری داشت. او گفت: "ما در گروه ملی برای حقوق کارگران، برای خودمان مبارزه می‌کنیم. اتحادمان را حفظ کرده‌ایم تا با اراده‌های آهنین مقابل طمعان و دزدان بایستیم. آن قدر اعتصاب کرده‌ایم که حساب آن از دستمان دررفته است. این دست‌های خالی و زحمت‌کش و این صدای رسا و معترض ماست. فریادی از حنجره دردکشیده گروه ملی فولاد اهواز برای هر آنکه هنوز شک دارد به عظمت و شرافت این رزم. ناکارآمدی و فساد این مدیران و مسئولان عامل بدبختی و بی‌نظمی است، اما ما را بیچاره و بی‌پول می‌کنند... تحمل کردن چنین شرایطی در این شرکت و این استان، به معنی تحمیل ذلت است که دود و خاکستر آن با هدایت فرمانداری و ترغیب بانک‌ها و فوج نهاد امنیتی، اول و آخر در چشم کارگر و مردم محروم می‌رود. پس بجنگ برای حقت و سرنوشت خودت و خانواده‌ات و همکارانت. با قدرت جمعی و صدای واحد، اخراج کارگر فولاد و حق خوری و دست‌درازی به مطالبات کارگری را در هم می‌شکنیم. فولادی داد بزن، حق تو فریاد بزن."

در این اعتراضات کارگران فولاد اهواز با اعتصاب و تجمعات پرشور خود و همبستگی با همکاران اخراجی و ایجاد همدلی در مجمع عمومی‌شان صحنه‌های درخشانی از اتحاد و اعتراض کارگری را آفریدند. از اعتراضات این کارگران وسیعاً حمایت کنیم.

خبر دیگر اینکه روز گذشته دوم اسفندماه ناهید خداجو از فعالین شناخته شده کارگری توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به بند زنان زندان اوین منتقل شده است. بنا بر گزارشات منتشر شده در ساعت دوازده و نیم ظهر این روز تعداد زیادی از مأموران امنیتی به منزل یکی از دوستان ناهید خداجو واقع در فردیس کرج یورش برده و پس از دو ساعت تفتیش منزل وی، ناهید خداجو را که در آنجا حضور داشت بازداشت کردند. ناهید خداجو از فعالین کارگری در روز جهانی کارگر سال ۹۸ مقابل مجلس بازداشت و سپس به پنج سال زندان محکوم شده بود. با اعتراضات گسترده و سراسری سرکوبگری‌های حکومت را می‌توان عقب زد. جمهوری اسلامی باید گورش را گم کند و برود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳ اسفند ۱۴۰۲، ۲۲ فوریه ۲۰۲۴

اخبار نفت: شماره ۸۷

اعتراضات کارگران ارکان ثالث در پارس جنوبی و کارگران رسمی نفت در لاوان

صبح روز شنبه ۵ اسفند کارگران ارکان ثالث و پشتیبانی شرکت‌های پیمانکاری پالایشگاه‌های پنجم، ششم و نهم مجتمع گاز پارس جنوبی برای پیگیری مطالباتشان دست به تجمع زدند. بنا بر خبر منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی نفت (ارکان ثالث) درحالی‌که تعدادی از رانندگان شرکت‌های پیمانکاری به‌خاطر خواسته‌هایشان از کار تعلیق شده‌اند، "اتحادیه صنف کارگری استان بوشهر" که نهادی دولتی است با طرح وعده‌های دروغین رئیس منابع انسانی پارس جنوبی یک هفته تجمعات کارگران را به تعویق انداخت. اما علی‌رغم این ترغیب‌ها کارگران اعتراضات خود را از سر گرفته و اعلام کرده‌اند که تا تحقق خواسته‌هایشان به اعتراض خود ادامه خواهند داد. هم

تجمع زدند. سه‌شنبه‌ها به‌روز اعتراض سراسری بازنشستگان کشوری در شهرهای مختلف تبدیل شده است. در تجمع این روز بازنشستگان تأمین اجتماعی نیز شرکت داشتند و هم‌زمان خانواده‌های ساکن کوی غدیر - کیان شهر این شهر در اعتراض به نبود امکانات رفاهی اولیه زندگی مانند آب، برق، گاز و سیستم فاضلاب، در این تجمع شرکت کردند. تجمع کنندگان از جمله شعار می‌دادند: "اتحاد اتحاد، علیه ظلم و فساد"، "از بس دروغ شنیدیم، ما دیگه رأی نمیدیم".

تأکید بر درمان رایگان، تحصیل رایگان و داشتن منزلت و معیشت از دیگر تأکیدات بازنشستگان در شعارهایشان بود و بن‌هایی مبنی بر اتحاد کارگران شاغل و بازنشسته و بخش‌های مختلف بازنشسته در تجمع آنان برجستگی داشت.

- روز سی بهمن بازنشستگان مخابرات در سطح سراسری در بیست شهر از جمله در اهواز تجمع کرده و اعتراض خود را به فقر و گرانی و بی‌پاسخ ماندن مطالبات خود بلند کردند. بیش از یک سال است که این بازنشستگان منظملاً هر دوشنبه دست به تجمع و اعتراض می‌زنند.

- روز ۲۹ بهمن بازنشستگان تأمین اجتماعی همچون یکشنبه‌های قبل در اعتراض به مشکلات معیشتی و برای پیگیری مطالباتشان در چند شهر از جمله در شوش و اهواز در خوزستان تجمع کردند. در شوش بازنشستگان از شهرهای کرخه، هفت‌تپه و شوش گردآمده و با شعارهای اعتراضی خود دست به راهپیمایی زدند.

- روز شنبه ۲۸ بهمن‌ماه پرستاران در چندین شهر از جمله در اهواز در اعتراض به سطح نازل حقوقها و پرداخت ناچیز تعرفه‌ها و تبعیض در پرداخت‌ها و نیز شرایط سخت کاری خود و عدم پاسخگویی به مطالباتشان تجمع و اعتراض کردند. در این اعتراضات پرستاران از جمله شعار می‌دادند: پرستار داد بزن حقوقت فریاد بزن.

- در پی افزایش اعدام‌ها از سوی حکومت اسلامی برای جلوگیری از به خیابان آمدن دوباره مردم، در خوزستان نیز اعدام همچنان جان شماری از زندانیان را تهدید می‌کند. عباس کورکوری معروف به مجاهد کورکور از بازداشت‌شدگان انقلاب زن زندگی آزادی در ایذه و عباس دریس از بازداشت‌شدگان خیزش مردمی در سال ۹۸ از شاهدین کشتار حکومت در نزارهای ماهشهر در خطر اعدام فوری هستند. باید به نجات جان همه آنان بشتابیم. طناب‌های دار را پاره کنیم. به کارزار نه به اعدام ببیندیم و در حمایت از زندانیان قزل‌حصار همبستگی خود را با سه‌شنبه‌های علیه اعدام اعلام کنیم.

کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری، واحد خوزستان
۴ اسفند ۱۴۰۲، ۲۳ فوریه ۲۰۲۴

مبارزه باشکوه مردم آلمان علیه فاشیسم "فاشیست بروگم شو"

تظاهرات‌های گسترده ضد فاشیستی در آلمان هر روز ابعاد گسترده‌تر می‌یابد. طی ماه گذشته حضور خیابانی صدها هزار نفر هر هفته و منظملاً علیه سیاست‌های فاشیستی احزاب راست افراطی و دسیسه‌ها و توطئه‌چینی پنهان آنها اعتراض می‌کنند. مبارزات ضد فاشیستی یک‌ماهه مردم معترض در آلمان علیه جریان راست و فوق ارتجاعی، بی‌سابقه و بسیار شورانگیز است.

پیام تظاهرات‌های سراسری بسیار روشن است؛ مردم خشمگین و معترض به میدان آمده‌اند و با صدای رسا فریاد می‌زنند به پارلمان و سیاست‌های عقیم دولت کنونی چشم امید نداریم! اعتراض مستقیم و بی‌تخفیف سلاح ما است. فریب نمی‌خوریم و نمی‌گذاریم تاریخ سیاه و خونبار فاشیسم در آلمان دوباره تکرار شود!

افشاشدن جلسه محرمانه و مخفی و دسیسه‌چینی سران حزب دست راستی حزب آلتزاتیو آلمان علیه پناهندگان و سیاست ضد مهاجرتی آن مردم آلمان را شوکه کرد. حزب «آف د» که توانسته به شهرداری و

مطالبات اعلام شده کارگران ارکان ثالث و پشتیبانی شرکت‌های پیمانکاری پارس جنوبی عبارت‌اند از: بازگشت به کار فوری رانندگان تعلیقی شرکت‌های پیمانکاری، حذف کامل شرکت‌های پیمانکاری واسطه تأمین نیروی انسانی، اصلاح و اجرای کامل طرح طبقه‌بندی مشاغل، تنظیم قراردادهای مستقیم با رانندگان شرکت‌های پیمانکاری توسط پیمانکاران و اصلاح مفاد آن، و اجرای مرخصی ۲ به ۲ کارگران پشتیبانی.

اعتراضات کارگران رسمی نفت نیز در اعتراض به تعیین سقف حقوق، و دیگر تعرضات معیشتی حکومت ادامه دارد. از جمله در چهارم اسفند کارگران رسمی نفت در شرکت فلات قاره در لاوان تجمع داشتند. قبل از آن نیز در سی‌ام بهمن‌ماه کارگران رسمی نفت در شرکت فلات قاره در خارک و شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاجاری تجمع داشتند و در ۲۹ بهمن کارمندان زمین‌شناسی نفت مرکزی سرخس در همین رابطه دست به تجمع زدند.

اعتراضات کارگران رسمی نفت سراسری است و مطالبات اعلام شده آنها عبارت‌اند از: برکناری مدیران نالایق و فاسد، حذف سقف حقوق، اصلاح کف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت معوقات آن، عدم تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی، و عدم دست‌درازی به صندوق بازنشستگی نفت.

حزب کمونیست کارگری ایران

۵ اسفند ۱۴۰۲، ۲۴ فوریه ۲۰۲۴

اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده

اعتصاب متحدانه کارگران فولاد: روز سوم اسفند سومین روز اعتصاب کارگران گروه ملی فولاد ایران در اهواز بود. در این سه روز تولید در تمامی بخش‌های شرکت متوقف شده و کارگران در اعتصاب بودند. اعتراض آنان به تعلیق شماری از کارگران معترض و ممنوع‌الورود شدن آنها، و عملی نشدن خواست‌هایشان از جمله اجرای ناقص طرح طبقه‌بندی مشاغل است. به دنبال اعتراضات کارگران به نحوه اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، در چند روز گذشته به تعدادی از کارگران این شرکت به دستور مدیرعامل و مدیر حراست شرکت، حکم اخراج داده شده و ممنوع‌الورود شده‌اند و این موجب خشم بیشتر کارگران شده است. در روز دوم اسفند این کارگران با شعاردادن به همکاران تعلیقی خود که از روز سی‌ام بهمن در اعتراض به اخراجشان با زدن چادر مقابل شرکت پیکت کرده‌اند، بیوستند و سپس با فریاد "کارگر می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد" تا میدان بقای اول جاده خرمشهر راهپیمایی کردند. در این روز کارگران فولاد همچنین طبق معمول مجمع عمومی خود را برگزار کردند و در این مجمع یکی از کارگران در همبستگی با کارگران اخراجی و مطالبات کارگران سخنرانی پرشوری داشت. کارگران فولاد اهواز با اعتصاب و تجمعات گسترده خود و همبستگی با همکاران اخراجی و ایجاد همدلی در مجمع عمومی شان صحنه‌های درخشانی از اتحاد و همبستگی کارگری را آفریدند. از اعتراضات این کارگران وسیعاً حمایت کنیم.

- روز سوم اسفند مال‌باختگان مجتمع تجاری گل‌باران در دزفول در اعتراض به وعده‌های دروغین مسئولین و عدم پرداخت سهام خود مقابل درب ورودی این مجتمع تجمع کردند و با سردادن شعارهای اعتراضی خود خواستار تسویه حساب فوری و بازپس‌گیری پول‌های به سرقت رفته‌شان شدند. جنبش مال‌باختگان یک جنبش بزرگ در ایران است که اندوخته‌های کوچک آنها توسط مشتی دزد و کلاش در همدستی با حکومتیان بالا کشیده شده است. جمهوری اسلامی حکومتی است اختلاسگر و مافیایی که اساس اقتصادش بر دزدی و غارت گذاشته شده است. فقر، فساد، گرانی میریم تا سرنگونی؛ یک شعار اعتراضی مردم در انقلاب زن زندگی آزادی بود.

- روز اول اسفندماه بازنشستگان کشوری از جمله معلمان بازنشسته در اعتراض به فقر و بی‌تامینی و برای پیگیری مطالبات خود همانند دیگر سه‌شنبه‌های اعتراضی در اهواز مقابل صندوق بازنشستگی دست به

پوشیده نیست. سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی مسئول پیشبرد سیاست‌های تروریستی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی هستند.

سیاست ممانشات ارگان‌های مختلف حکومت سوئد از پلیس امنیتی و دستگاه قضایی و دولت کاملاً روشن است، ممانشات با جمهوری اسلامی طی سالیان دراز در دستور کار دولت‌های مختلف سوئد بوده، حتی زمانی که با نقشه ترور شهروندان خودش هم مواجه می‌شود، باز سکوت می‌کند و دستگیرشدگان را در خفا به ایران بازمی‌گرداند.

دولت سوئد موظف است که اطلاعات لازم در مورد فعالیت‌های تروریستی جمهوری اسلامی را به آگاهی جامعه و به‌ویژه اپوزیسیون فعال علیه رژیم اسلامی برساند. مخالفین پی‌دفاع جمهوری اسلامی که هدف اصلی عوامل تروریستی حکومت اسلامی هستند حق دارند که از خطرات و طرح‌های تروریستی که تهدیدشان می‌کند، آگاه شوند.

دولت سوئد برای حفظ منافع اقتصادی و معاملات خود با جمهوری اسلامی حاضر شده است جان و امنیت نه فقط اپوزیسیون که حتی شهروندان خود را نیز به خطر بیندازد. هیچ‌کس تردیدی ندارد که ممانشات با جمهوری اسلامی باعث گسترش فعالیت‌های تروریستی خواهد شد.

دولت سوئد در حفظ جان اپوزیسیون و شهروندان جامعه مسئولیت دارد. سفارتخانه، مراکز فرهنگی و مساجد مرتبط با جمهوری اسلامی، تماماً مراکز فعالیت جاسوسی و تروریستی است و همه آنها باید بسته شوند.

کمیته اسکاندیناوی حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ فوریه ۲۰۲۴

جمهوری اسلامی در انزوای کامل و در حلقه خشم عمومی، می‌خواهد با کشتار خود را همچنان در قدرت نگه دارد. اما با هر زخمی که بر قلب جامعه می‌زند، نفرت و خشم را عمیق‌تر و گسترده‌تر در دل مردم می‌کارد. فوران هر روزه اعتراضات و اعتصابات و تجمعات در سر تاسر جامعه، طغیان زنان و دختران علیه حجاب، همبستگی‌ها و جنبش دادخواهی و کل جنب و جوش در جامعه دارد به حکومت محکم می‌گوید "ایستاده‌ایم تا پایان". حکومت چپاول و اعدام و اسلام را تماماً به زیر خواهیم کشید.
(کاظم نیک‌خواه)

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

شوراهای برخی شهرها راه باید در جلسه مخفی رهبران ارشد این حزب و برخی از چهره‌های شناخته شده دست راستی در باره ایده خواهان انحلال احزاب و ایجاد تک‌حزبی و همچنین اخراج وسیع مهاجران از خاک آلمان مشغول توطئه و دسیسه‌چینی هستند. این حزب در تلاش است تا با اتکا به نارضایتی و بی‌اعتمادی مردم از احزاب حاکم، با ائتلاف مخفیانه احزاب نژادپرست و جریان‌های راست افراطی با شعارهای پوپولیستی و مردم‌فریب، گرانی و تورم و بیکارسازی، فشارها و تنگناهای اقتصادی تحمیل شده به مردم را به گردن پناهندگان و مهاجرین بیندازد.

بی‌تحریکی و انفعال احزاب حاکم نسبت به این توطئه‌چینی، مردم را بسیار خشمگین کرده است. اقدامات تاکنونی به‌شدت ناکافی و ممانشات‌جویانه است. پاسخ علیه سیاست‌های فاشیستی ضد کارگری و ضدپناهندگی باید قاطع، صریح و محکم باشد.

تشکیلات آلمان حزب کمونیست کارگری ایران از مبارزه شورانگیز مردم آلمان علیه احزاب راست‌گرا پشتیبانی می‌کند و آن را گام مؤثری برای عروج چپ اجتماعی در آلمان می‌داند.

ما تأکید می‌کنیم که این مبارزات برای تثبیت پیروزی خود، لازم است با طرح مطالبات صریح و روشن چپ جامعه به‌عنوان یک آلترناتیو و مدعی قدرت علیه راست‌ها و ممانشات پارلمان و احزاب بورژوازی قد علم کند و به سکوی قدرتمندی برای طرح مطالبات برابری طلبانه و به میدان آوردن نیروی عظیم چپ اجتماعی، بستری برای گام‌های بعدی علیه همه مصائب اجتماعی در جامعه و زمینه مناسبی در دفاع از ارزش‌های اجتماعی باشد و عروج مجدد چپ در اروپا را رقم بزند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - واحد آلمان
۱۸ فوریه ۲۰۲۴

فعالیت‌های تروریستی جمهوری اسلامی در سوئد
باید افشا شود!
لانه‌های جاسوسی جمهوری اسلامی باید تعطیل
شوند!

اخیراً با تیره‌شدن روابط دیپلماتیک جمهوری اسلامی و دولت سوئد، خبرگزاری «اکوت» اسنادی از فعالیت‌های جاسوسی - تروریستی جمهوری اسلامی را افشا کرده است. در این اسناد معتبر مشخص می‌شود که مأموران امنیتی جمهوری اسلامی تحت عنوان دیپلمات، دانشجو، پناهنده و غیره طی سال‌های متوالی در فعالیت‌های جاسوسی و تروریستی مستقیماً در تماس با سفارت جمهوری اسلامی قرار داشته‌اند. نقشه ترور می‌کشیدند، افراد را شناسایی و تحت نظر می‌گرفتند، اطلاعات ردوبدل می‌کردند و در مواردی حتی مستقیماً از سفارت دستمزد دریافت می‌کردند. از جمله در سال ۲۰۲۱ دو مأمور مرتبط با سپاه پاسداران به نام‌های مستعار «سلما» و «فؤاد» که از سال ۲۰۱۵ وارد سوئد شده بودند و قصد ترور سه شهروند یهودی - سوئدی را داشتند دستگیر و در سال ۲۰۲۲ به‌صورت محرمانه و بدون سروصدا به ایران بازگردانده می‌شوند. پلیس امنیت سوئد هیچ اطلاعاتی در مورد نحوه فعالیت این افراد منتشر نکرده است.

جاسوس - تروریست دیگری بنام حمیدرضا فریدونی از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۲۲ به مدت ۱۳ سال فعالیت جاسوسی و اطلاعاتی داشته است و با یک افسر اطلاعاتی به نام حمید ملاولی که به‌عنوان دیپلمات فرهنگی در سفارت مشغول کار بوده، مستقیماً در تماس بوده است. هر دو این افسران اطلاعاتی حکومت اسلامی در سال ۲۰۲۲ در سکوت خبری، از سوئد اخراج شده‌اند.

سابقه ممتد شرارت‌های تروریستی جمهوری اسلامی با پوشش دیپلماتیک از ترور مخالفین تا خبرچینی و کسب اطلاعات و تهدید فعالین سیاسی اپوزیسیون علی‌رغم اطلاعات موثق پلیس امنیتی سوئد بر کسی

کمپین مالی حزب

لیست شماره یک

در پاسخ به فراخوان حزب برای جمع‌آوری حداقل ۱۰۰ هزار دلار کمک مالی برای تأمین بخشی از نیازهای مالی حزب (و از جمله کانال جدید) در هفته اول معادل ۳۸۲۸۰ دلار آمریکا جمع‌آوری شد. این کمپین یک‌ماهه است و هر هفته لیست دوستانی که کمک می‌کنند منتشر می‌شود. از تمام عزیزانی که در اولین هفته اعلام کمپین کمک کرده‌اند صمیمانه قدردانی می‌کنیم. از مخالفین جمهوری اسلامی در داخل و خارج کشور، از همه آنها که قلبشان برای جامعه‌ای آزاد و برابر و خوشبخت می‌تپد و از همه فعالین انقلاب زن زندگی آزادی در داخل و به‌ویژه خارج کشور دعوت می‌کنیم به حزب کمک کنید. کمک‌های شما، به هر میزان مایه افتخار و اتکای این حزب است.

محمد کربیی ۵۰۰ یورو
عطیه نیک‌نفس ۱۰۰ یورو
بابک یزدی ۲۰۰۰ دلار کانادا
کیا صبری ۱۰۰۰ دلار کانادا
امیر زاهدی ۲۰۰ دلار کانادا
داود آرام ۱۰۰۰ دلار کانادا
مصطفی صابر ۲۰۰۰۰ دلار کانادا
آزاده نجاد ۱۰۰ دلار کانادا
سیاوش مدرسی ۳۰۰ پوند
شهلا دانشفر و کاظم نیکخواه ۸۰۰ پوند
کمیته کردستان حزب ۵۰۰ دلار آمریکا
وستا جلال ۲۰۰ دلار کانادا
سیامک بهاری ۱۰۰۰۰ کرون
سهیلا میلانی ۲۰۰ دلار کانادا
بهمن خانی ۱۱۳۰ یورو
فاضل نادری ۱۰۰۰ کرون
حمید تقوایی و میترا دانشی ۳۰۰۰ دلار کانادا
حسن پویا ۵۰ دلار کانادا
صدف کوروش‌نیا ۱۰۰۰ دلار کانادا
سهیلا دلوند ۶۰۰ دلار کانادا
ایرج رضایی ۵۰۰ دلار کانادا
مسعود آذرنوش ۵۰۰ دلار کانادا
مینا بهروزی ۵۰۰ دلار کانادا
سلیمان سیگرچی ۵۰۰ دلار کانادا
سروش قاسمی ۲۵۰ دلار کانادا

جمع ۳۸۲۸۰ دلار آمریکا

حسن صالحی ۲۰۰۰۰ کرون
سیما بهاری ۱۰۰۰۰ کرون
جلیل جلیلی ۱۰۰۰ پوند
امیر توکلی ۵۰۰ یورو
نوید محمدی ۵۰۰ یورو
شهاب بهرامی ۳۰۰۰ کرون
محسن ابراهیمی ۱۰۰۰ دلار کانادا
مجید آذری ۱۰۰۰ دلار آمریکا
محمد هوشمند ۵۰۰ دلار کانادا
رحیم یزدان‌پرست ۵۰۰۰ کرون
حمیده ۵۰ یورو
عباس ماندگار ۲۰۰۰ دلار کانادا
اسماعیل مردوخ ۳۰۰۰ کرون
سودابه شکیب ۱۰۰۰ کرون





انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها منتشر می‌شود

فیسبوک: www.facebook.com/wpiarn

اینستاگرام: www.instagram.com/wpi91

تلگرام: [telegram.me/wpi_hkki](https://t.me/wpi_hkki)

وبسایت: www.wpiran.org

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

مسئول فنی: سروناز سینایی

anternasional@yahoo.com

milad.rabei@gmail.com

ماهواره پناه ست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین:



newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com